



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

یکصد و چارده نکتہ از قرآن کریم



اکبر و عثمان

سوره



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکصد و چهارده نکته از قرآن کریم درباره زکات

نویسنده:

اکبر دهقان

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	یکصد و چهارده نکته درباره ی زکات
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۲۰	پیشگفتار
۲۴	فصل اول: اهمیت و ماهیت زکات
۲۴	اهمیت زکات
۲۶	زکات در ادیان سابق
۲۸	فلسفه ی تشریح زکات
۲۸	چه زمانی زکات واجب شد؟
۳۰	زکات عامل پاکی و رشد فرد و جامعه
۳۰	نکته ها
۳۶	منابع نه گانه ی زکات
۳۸	مصارف هشت گانه ی زکات
۳۹	نکته ها
۴۵	مقدم داشتن چند گروه در استفاده از زکات
۴۷	احیای زکات از وظایف مسئولین نظام اسلامی
۴۷	نکته ها
۴۸	زکات دادن در حال نماز
۵۰	سهولت و آسانی در امر زکات
۵۰	نکته ها
۵۱	زکات یکی از برنامه های دائمی مؤمنان
۵۲	نکته ها
۵۵	پیمان شکنی بنی اسرائیل نسبت به پرداخت زکات

۵۵	نکته ها
۵۷	زکات؛ عبادت موقت (زمانمند)
۵۷	نکته ها
۵۸	زکات در ردیف ایمان به مبدأ و معاد
۵۹	نکته ها
۶۰	پرداختن زکات از اموال طیب و پاکیزه
۶۱	نکته ها
۶۲	آشکارا پرداختن زکات
۶۳	همراه بودن زکات با نماز
۶۵	زکات نشانه ی آیین محکم و استوار
۶۵	نکته ها
۶۸	فصل دوم: آثار و فواید زکات
۶۸	زکات مایه رشد دارایی ها
۷۰	زکات مایه ی از بین رفتن گناهان
۷۲	زکات مایه ی جلب رحمت خداوند
۷۳	زکات عامل تزکیه ی نفس
۷۴	زکات عامل طهارت روحی
۷۵	زکات و مشمول لطف خداوند شدن
۷۶	زکات مایه ی نجات از قتل
۷۷	زکات عامل تحصیل خشنودی خداوند
۷۸	نکته ها
۷۹	زکات همراه با برکت
۸۰	قداست زکات
۸۰	نکته ها
۸۲	نکته ها
۸۴	پاداش پرداخت کنندگان زکات نزد خداوند

- ۸۴ نکته ها
- ۸۵ زکات و تجتسم عمل
- ۸۶ نکته ها
- ۸۷ زکات و اخلاص
- ۸۸ زکات و حفظ عزت مؤمنین
- ۹۱ زکات مایه ی شناخت مؤمنان از منافقان
- ۹۲ زکات و برادری
- ۹۲ پرداخت زکات از نشانه های نیکوکاران
- ۹۳ پرداخت زکات از نشانه های بندگان خدا
- ۹۴ نکته ها
- ۹۵ پرداخت زکات یکی از اوصاف ابرار
- ۹۵ نکته ها
- ۹۷ زکات؛ راه درمان مرض بخل
- ۹۸ بخل ورزی نسبت به پرداخت زکات، نشانه ی نفاق
- ۹۹ نکته ها
- ۱۰۰ منافقین و عیبجویی از اهل زکات
- ۱۰۱ انفاق به معنای زکات
- ۱۰۲ نکته ها
- ۱۰۴ پشیمانی تارک زکات بعد از مرگ
- ۱۰۴ کیفر تلخ ترک زکات در دنیا و آخرت
- ۱۰۹ زکات فطره
- ۱۱۱ درباره مرکز

یکصد و چهارده نکته درباره ی زکات

مشخصات کتاب

نویسنده: اکبر دهقان

ناشر: ستاد اقامه نماز

نوبت چاپ: چهارم - تابستان 1386

تیراژ: 5000 نسخه

چاپ و صحافی: مرکز خدمات فرهنگی مطهر

قیمت: 4000 ریال

مراکز پخش:

1- تهران، میدان فلسطین، ستاد اقامه نماز، تلفن: 88900059

2- دفاتر ستادهای اقامه نماز سراسر کشور.

شابک: 964-7309-49-x

ISBN: 964-7309-49-x

ص: 1

اشاره

یکصد و چهارده نکته

از قرآن کریم

در باره ی زکات

اکبر دهقان

ص: 3

فهرست مطالب

تصویر

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	پیشگفتار
۱۳	فصل اول: اهمیت و ماهیت زکات
۱۳	اهمیت زکات
۱۵	زکات در ادیان سابق
۱۷	فلسفه تشریح زکات
۱۷	چه زمانی زکات واجب شد؟
۱۹	زکات عامل پاکی و رشد فرد و جامعه
۱۹	نکته‌ها
۲۵	منابع نه گانه زکات
۲۷	مصارف هشت گانه زکات
۲۸	نکته‌ها

۶ یکصد و چهارده نکته از قرآن ...

- ۳۴ مقدم داشتن چند گروه در استفاده از زکات
- ۳۶ احیای زکات از وظایف مسئولان نظام اسلامی
- ۳۶ نکته‌ها
- ۳۷ زکات دادن در حال نماز
- ۳۹ سهولت و آسانی در امر زکات
- ۳۹ نکته‌ها
- ۴۰ زکات یکی از برنامه‌های دائمی مؤمنان
- ۴۱ نکته‌ها
- ۴۴ پیمان شکنی بنی اسرائیل نسبت به پرداخت زکات
- ۴۴ نکته‌ها
- ۴۶ زکات؛ عبادت موقت (زمانمند)
- ۴۶ نکته‌ها
- ۴۷ زکات در ردیف ایمان به مبدأ و معاد
- ۴۸ نکته‌ها
- ۴۹ پرداختن زکات از اموال طیب و پاکیزه
- ۵۰ نکته‌ها
- ۵۱ آشکارا پرداختن زکات
- ۵۲ همراه بودن زکات با نماز
- ۵۴ زکات نشانه آیین محکم و استوار
- ۵۴ نکته‌ها

۵۷	فصل دوم: آثار و فواید زکات
۵۷	زکات؛ مایه رشد دارایی‌ها
۵۹	زکات؛ مایه از بین رفتن گناهان
۶۱	زکات؛ مایه جلب رحمت خداوند
۶۲	زکات؛ عامل تزکیه نفس
۶۳	زکات؛ عامل طهارت روحی
۶۴	زکات و مشمول لطف خداوند شدن
۶۵	زکات؛ مایه نجات از قتل
۶۶	زکات؛ عامل تحصیل خشنودی خداوند
۶۷	نکته‌ها
۶۸	زکات همراه با برکت
۶۹	قداست زکات
۶۹	نکته‌ها
۷۱	زکات؛ پشتوانه جنگ و جهاد
۷۱	نکته‌ها
۷۳	پاداش پرداخت‌کنندگان زکات نزد خداوند
۷۳	نکته‌ها
۷۴	زکات و تجسم عمل
۷۵	نکته‌ها
۷۶	زکات و اخلاص

- زکات و حفظ عزت مؤمنین ۷۷
- زکات؛ مایه شناخت مؤمنان از منافقان ۸۰
- زکات و برادری ۸۱
- پرداخت زکات از نشانه‌های نیکوکاران ۸۱
- پرداخت زکات از نشانه‌های بندگان خدا ۸۲
- نکته‌ها ۸۳
- پرداخت زکات یکی از اوصاف ابرار ۸۴
- نکته‌ها ۸۴
- زکات؛ راه درمان مرض بخل ۸۶
- بخل‌ورزی نسبت به پرداخت زکات، نشانه نفاق ۸۷
- نکته‌ها ۸۸
- منافقین و عیب‌جویی از اهل زکات ۸۹
- انفاق به معنای زکات ۹۰
- نکته‌ها ۹۱
- پشیمانی تارک زکات بعد از مرگ ۹۳
- کیفر تلخ ترک زکات در دنیا و آخرت ۹۳
- زکات فطره ۹۸

از دیدگاه اسلام زکات یکی از امور بسیار مهم و اساسی است که به افرادی که دارای ثروت هستند با شرایط ویژه ای که در روایات بدان اشاره شده واجب می باشد، مانند: بلوغ، عقل، حریت، تمکن از تصرف، به حدّ نصاب رسیدن مال و مالک بودن.

بنا بر این زکات بر هر کسی و بر هر مالی تعلق نمی گیرد، بلکه بر شخص عاقل و بالغ و انسان آزاد لازم است. علاوه بر آن مال باید به حد نصاب برسد و انسان تمکن از تصرف و بهره برداری را داشته باشد و دیگر این که انسان مالک مال باشد.

زکات از جایگاه ویژه ای برخوردار است. زیرا یکی از

ارکان پنج گانه ی اسلام معرفی شده است. زکات صرف يك عمل اخلاقی و رسیدگی به امور محرومین نیست، بلکه علاوه بر این، عبادتی از عبادات است و پرداخت آن نیاز به قصد قربت دارد تا در درگاه خداوند پذیرفته شود. زکات مایه ی رهایی انسان از مرض بخل، حرص و دنیاپرستی است و عامل رشد و تعالی و تکامل روحی بشر است.

زکات موضوعی نیست که به اختیار افراد واگذار شده باشد که هر طور می خواهند خودشان مصرف کنند، بلکه مصارف ویژه ای دارد که قرآن کریم در سوره ی مبارکه ی توبه، آیه ی 60 بدان اشاره نموده است.

زکات یکی از نشانه های حکومت اسلامی است که وقتی مسئولین نظام، قدرت پیدا نمودند آن را در کنار اقامه ی نماز در جامعه احیا می کنند و به طور عادلانه زکات را جمع آوری و توزیع می نمایند.

زکات امری است که گیرنده ی حقیقی آن خداوند متعال است. علاوه بر ثواب و پاداشی که در قیامت برای زکات دهنده منظور داشته، به پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) دستور می دهد که از پرداخت کننده ی آن قدردانی نماید.

زکات باعث تأمین نیازهای ضروری محرومین جامعه می گردد و در غیر این صورت خداوند مقدار آن را افزایش

می داد. پرداخت زکات، جامعه‌ی اسلامی را از فساد و گناه‌رهایی می بخشید. زکات موجب افزایش رزق و باعث سعادت بشر در دنیا و آخرت می گردد. زکات موضوعی است که ترك آن موجب از بین رفتن چهارپایان و زراعت‌ها و نباریدن باران و قحطی و خشکسالی می گردد.

زکات مایه‌ی برکت در زندگی و مانند نماز، عامل قرب و نزدیکی انسان به سوی خداوند متعال است.

در این جا لازم است از روحانی گرانقدر و مخلص و دلسوز جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای محسن قرائتی که چندین سال است در باره‌ی امر زکات در مقاطع مختلف به تبلیغ پرداخته‌اند و در این ارتباط زحمات طاقت فرسایی را تحمل ورزیده و مسافرت‌هایی برای این جهت نموده و در محافل مختلف، این مهم را یادآور شده‌اند، تشکر نمایم.

در حدود هشت سال قبل با اشاره‌ی سرور معظم در سفر حج کتاب زکات در اسلام را نوشتم و هم اکنون توفیق، نصیب شد، تا کتاب 114 نکته از قرآن کریم در باره‌ی زکات را که با توصیه‌ی برادر عزیز جناب حجة الاسلام و المسلمین فجرى همراه بود، به رشته‌ی تحریر در آورم.

لازم به ذکر است که نکته‌ها بیش از 114 تا است ولیکن آنچه که مربوط به زکات از قرآن کریم است، شماره گذاری شده است.

در پایان از مسئولین محترم ستاد اقامه‌ی نماز که اقامه‌ی زکات را نیز بر عهده گرفتند، از این که دو کتاب 114 نکته در باره‌ی نماز و 114 نکته در باره‌ی زکات اینجانب را منتشر کردند، تشکر و قدردانی می نمایم.

حوزه‌ی علمیه‌ی قم

اکبر دهقان

10/10/81

ص: 11

فصل اول: اهمیت و ماهیت زکات

اهمیت زکات

1- موضوع زکات در قرآن کریم از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از این رو عدم پرداخت زکات از اوصاف مشرکین به شمار آمده است؛ «وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ* الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» (1). در حقیقت معرف مشرکان دو امر دانسته شده:

الف - ترك زکات

ب - انکار معاد.

ص: 13

1-1. فصلت / 6-7.

این آیه در میان مفسران گفتگوهای زیادی را برانگیخته است و در تفسیر آن احتمالات فراوانی داده اند. علت اصلی آن، این پرسش است که زکات یکی از فروع دین اسلام است پس چگونه ترك آن دلیل بر کفر و شرك می شود؟ بعضی ظاهر آیه را حفظ کرده و گفته اند ترك زکات هر چند توأم با انکار و جوب آن نباشد، باز نشانه ی کفر است. بعضی دیگر ترك توأم با انکار را دلیل بر کفر دانسته اند؛ چرا که زکات از ضروریات اسلام است و منکر آن کافر می باشد.

ظاهراً منظور از زکات، همان مفهوم عام انفاق است و ذکر آن در نشانه های شرك به خداوند به دلیل آن است که انفاق های مالی در راه خداوند یکی از روشن ترین نشانه های ایثار و گذشت و عشق به الله است. چرا که مال از محبوب ترین امور نزد انسان است و انفاق و ترك انفاق می تواند شاخصی برای شرك و ایمان در بسیاری از موارد گردد.

نکته ی دیگری که می تواند به روشن شدن تفسیر آیه کمک کند، این است که زکات در میان دستورات اسلام وضع خاصی دارد و پرداختن آن، نشانه ی به رسمیت شناختن حکومت اسلامی بوده است و ترك آن غالباً نوعی طغیان و سرکشی و قیام بر ضد حکومت اسلامی محسوب

می شده است.

می دانیم قیام بر ضد حکومت اسلامی موجب کفر است؛ گواه این سخن مطلبی است که در تاریخ اسلام در باره ی (اصحاب رده) گروهی که بعد از وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) مرتد شدند آمده است؛ آن ها جمعی از طوایف «بنی طی» و «غطفان» و «بنی اسد» بوده اند که از دادن زکات به مأموران حکومت اسلامی سر باز زدند و به این طریق پرچم مخالفت را بر افراشتند.

در تاریخ آمده است: اهل رده بعد از وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) گفتند: «اما الصلاة فنصلی و اما الزکوة فلا یغصب اموالنا»؛ نماز را می خوانیم، اما زکات نه. ما اجازه نخواهیم داد اموال ما غصب گردد.

به دنبال این ماجرا مسلمانان تصمیم گرفتند با این گروه به پیکار برخیزند و آن را دلیل بر ارتدادشان دانستند. (1)

زکات در ادیان سابق

2- از دیدگاه قرآن کریم زکات در ادیان الهی مطرح بوده از جمله:

الف - قرآن کریم وقتی که موضوع امامت و پیشوایی ابراهیم و اسحق و یعقوب را مطرح می کند، پرداخت زکات را یکی از کارهای نیک و شایسته معرفی می کند که به آنان وحی

ص: 15

1-2. تفسیر ابوالفتوح رازی / ج 10 / ص 9؛ تفسیر نمونه / ج 20 / ص 15.

شده بود؛ «وَجَعَلْنَا لَهُمْ آيَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (73)» (1)؛ و آن ها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند و انجام کارهای نیک و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم و آن ها فقط ما را عبادت می کردند. ب - قرآن کریم در باره ی حضرت اسماعیل می فرماید: او خانواده ی خود را به نماز و زکات فرمان می داد؛ «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ». (2)

ج - قرآن کریم در باره ی بنی اسرائیل می فرماید: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (3)؛ و به یاد آورید زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدای یگانه را پرستش نکنید ... نماز را بر پا دارید و زکات را پرداخت کنید.

د - قرآن کریم در باره ی حضرت عیسی (ع) می فرماید: او چنین فرمود: خداوند مرا به نماز و زکات تا مادامی که زنده هستم سفارش نموده است؛ «... وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (31)». (4)

ص: 16

1-3. انبیاء / 73.

2-4. مریم / 55.

3-5. بقره / 83.

4-6. مریم / 31.

3- خداوند متعال در موضوع فیئ و غنایم، سهمی برای مساکین و تهیدستان قرار داده است، این سهم علاوه بر سهام دیگری است که باید به افرادی چون خویشاوندان و یتیمان برسد. جهت آن این است که این اموال عظیم تنها دست به دست میان ثروتمندان نگردد و نیازمندان از آن محروم نشوند؛ «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (1) بنا بر این فلسفه ی تقسیم غنایم بین گروه های مختلف از جمله تهیدستان در شریعت اسلام برای آن است که ثروت تنها در يك جا انباشته نگردد. همین فلسفه در پرداختن زکات نیز منظور شده است چنان که از برخی روایات استفاده می شود.

حضرت کاظم (ع) می فرماید: «أما وضعت الزكوة قوتاً للفقراء و توفيراً لأموالهم»؛ همانا زکات وضع شده از جهت غذا و قوتی برای فقرا و این که اموال آنان فراوان شود. (2)

چه زمانی زکات واجب شد؟

4- از آیات مختلف قرآن کریم استفاده می شود که حکم وجوب زکات در مکه نازل شده است؛ «... وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ

ص: 17

1- 7. حشر / 71.

2- 8. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 4.

بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (156)» (1) و «هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ * الَّذِينَ يُعِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (2) و «هُدًى وَرَحْمَةً لِلْمُحْسِنِينَ * الَّذِينَ يُعِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (4)» (3) و «وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (7)» (4).

و مسلمانان موظف به انجام این وظیفه‌ی اسلامی بوده‌اند، ولی هنگامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) به مدینه آمد و حکومت اسلامی را پی ریزی نموده و طبعاً نیاز به تشکیل بیت المال پیدا کرد، از طرف خداوند مأموریت یافت که زکات را شخصاً از مردم بگیرد (نه این که خودشان به میل و نظر خود در مصارف آن صرف کنند)، آیه‌ی شریفه‌ی «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً...» (5) در این هنگام نازل شد.

و مشهور این است که این در سال دوم هجرت بود پس مصارف زکات به طور دقیق در آیه‌ی شصت از سوره‌ی توبه بیان گردید. جای تعجب نیست که تشریح اخذ زکات در آیه‌ی 103 باشد و ذکر مصارف آن که می‌گویند در سال نهم هجرت نازل شده در آیه‌ی شصت. زیرا می‌دانیم آیات قرآن بر طبق تاریخ نزول، جمع‌آوری نشده، بلکه به

ص: 18

1-9. اعراف / 156.

2-10. نمل / 3-2.

3-11. لقمان / 4-3.

4-12. فصلت / 7-6.

5-13. توبه / 103.

فرمان پیامبر صلی الله علیه وآله هر کدام در مورد مناسب قرار داده شده است. (1)

زکات عامل پاکی و رشد فرد و جامعه

قرآن کریم می فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (2)؛ از اموال آن ها صدقه ای (زکات) بگیر تا به وسیله ی آن، آن ها را پاک سازی و پرورش دهی. در حقیقت این آیه ی شریفه به پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) خطاب می کند که تو آنان را از رذایل اخلاقی و دنیاپرستی پاک می کنی و نهال نوع دوستی در آن ها ایجاد می کنی.

نکته ها

5- کلمه ی «تطهیر» به معنای برطرف کردن چرک و کثافات از چیزی است که بخواهند پاک و صاف شود و آماده نشو و نما گردد و آثار و برکاتش ظاهر گردد و کلمه ی «تزکیه» به معنای رشد دادن به همان چیز است، بلکه آن را ترقی داده خیرات و برکات را از آن بروز دهد مانند درخت که با هرس کردن شاخه های زیادی آن نموش بهتر و میوه اش درشت تر می شود، پس این که تطهیر و تزکیه را در کنار هم

ص: 19

1-14. تفسیر نمونه / ج 8 / ص 10

2-15. توبه / 103.

6- تمام اموال را لازم نیست به مستمندان داد، بلکه قسمتی از اموال را باید به عنوان زکات پرداخت نمود. کلمه ی «من» دلالت بر تبعیض دارد؛ «من اموالهم». (2)

7- کلمه ی «سکن» به معنای چیزی است که دل را راحتی و آرامش می بخشد و مراد این است که نفوس ایشان به دعای تو سکونت و آرامش می یابد و این خود نوعی تشکر از سعی و تلاش ایشان است، همچنان که جمله ی «والله سمیع علیم» مایه ی آرامشی است که دل های مکلفینی که این آیه را می شنوند و یا می خوانند به وسیله ی آن سکونت می یابد. (3)

8- این آیه ی شریفه متضمن حکم زکات مالی است که خود یکی از ارکان شریعت و ملت اسلام است. هم ظاهر آیه اینمعنا را می رساند و هم روایات زیادی که از طرق امامان اهل بیت علیهم السلام و از غیر ایشان آیه را چنین تفسیر کرده اند. (4)

9- دعای پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) هم مایه ی آرامش انسان است؛ «صلّ علیهم فان صلاتک سکن لهم»، هم مایه ی آمرزش انسان است؛ «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا

ص: 20

1-16. تفسیر المیزان / ج 9 / ص 595.

2-17. مجمع البیان / ج 5 / ص 102.

3-18. تفسیر المیزان / ج 9 / ص 596.

4-19. تفسیر المیزان / ج 9 / ص 596.

اللَّهُ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا (64)». (1)

10- حاکم اسلامی مسئول گرفتن زکات؛ حاکم مسلمین می تواند زکات را از مردم بگیرد و موکول به نیت و تصمیم اشخاص نیست که هر گاه میل داشتند پردازند و هر گاه نخواستند خیر. قرآن کریم می فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (2). این امر خداوند متعال (خذ) به دلیل این است که پیامبر صلی الله علیه وآله حاکم مسلمین است و فعل امر دلالت بر وجوب گرفتن از ناحیه ی ایشان دارد. (3)

و از ذکر «و العاملین علیها» در آیه ی شریفه ی «أَتَمَّا الصَّدَقَاتِ...» که از مصارف زکات شمرده شده، استفاده می شود که زکات یک واجب فردی و شخصی نیست که موکول به مشیّت و اراده ی اشخاص باشد، بلکه از ضرایب و مالیات دولت اسلامی است که امام مسلمین متولّی اخذ آن است.

حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید: «يجبر الامام الناس على اخذ الزكوة من أموالهم لانّ الله عزّ وجلّ قال خذ من أموالهم صدقة» (4)؛ امام مجبور می کند مردم را تا زکاتشان را

ص: 21

1- 20. نساء / 64؛ تفسیر سوره ی توبه آیت الله سبحانی / 219.

2- 21. توبه / 103.

3- 22. تفسیر کبیر / ج 16 / ص 182.

4- 23. بحار الانوار / ج 93 / ص 83.

بپردازند به دلیل سخن خداوند که می فرماید: زکات را از اموال مردم بگیر.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «یجمع امرهم و یحکم بینهم و یأخذ للمظلوم من الظالم حقه و یحفظ اطرافهم ... و یجیب صدقاتهم»⁽¹⁾؛ امام مسلمین باید امور مسلمانان را سامان ببخشد و در میان مردم حکم کند و حق مظلوم را از ظالم بستاند و امنیت مردم را حفظ کند ... و زکات و صدقات مردم را جمع آوری نماید.

علاوه بر این دستور و حکم اسلامی، سیره ی عملی پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و حضرت علی (علیه السلام) در زمان حکومتشان نشان می دهد که افرادی را معین می کردند و برای گرفتن زکات به مناطق مختلف می فرستادند از جمله در حدیثی عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) فرمود: «زکوا اموالکم تقبل صلاتکم ثم وجه عمال الصدقة و الطسوق»؛ زکات را بپردازید تا نمازهای شما قبول شود و امام فرمود: سپس پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) کارگزاران زکات و خراج را برای جمع آوری آن ها روانه ساخت.⁽²⁾

11- برخی گفته اند: مقصود از صدقه، زکات واجب است و برخی گفته اند: منظور از آن صدقات مستحب است، لیکن

ص: 22

1-24. بحارالانوار / ج 33 / ص 144.

2-25. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 3.

حق آن است که مراد جمیع صدقات اعم از واجب و مستحب است به قرینه ی «من اموالهم» که جمع مضاف است و شامل جمیع اموال می شود و تفسیر به زکات یا برخی صدقات به عنوان بیان مصداق است و این امر گرفتن اختصاص به پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) ندارد، بلکه بعد از آن حضرت، در ائمه معصومین علیهم السلام نیز جاری است. چنان که روایات بر آن تصریح دارد. (1)

12- پرداخت زکات به وسیله ی مالک یا رجوع به حاکم اسلامی؛ مشهور فقها معتقدند که در مصرف زکات رجوع به امام (علیه السلام) و حاکم ضرورتی ندارد و خود مردم می توانند آن را به اهل زکات برسانند و در راه های تعیین شده هزینه کنند، ولی بهتر است که در زمان حضور امام به ایشان و در زمان غیبت به فقها پرداخت شود.

مرحوم محقق گوید: «للمالك ان يتولى تفريق ما وجب عليه بنفسه وبمن يوكله والاولی حمل ذلك الى الامام»؛ مالک مجاز است که سرپرستی بخش زکات را خود یا وکیلش بر عهده گیرد، ولی بهتر است به امام بپردازد. (2)

بسیاری از فقها به ویژه گذشتگان همین دیدگاه را

ص: 23

1-26. تفسیر اطیب البیان / ج 6 / ص 305.

2-27. شرایع الاسلام / ج 1 / ص 164.

پذیرفته اند. از جمله شیخ طوسی، سید مرتضی، ابن ادریس، صاحب جواهر، مقدس اردبیلی، محقق کرکی، علامه نراقی و...

دلیل بر این نظریه، آیات قرآن کریم است که به مسلمانان دستور پرداخت زکات را می دهد؛ «اقیموا الصلوة و اتوا الزکوة». علاوه بر آن احادیثی موجود است که بر مصرف کردن زکات توسط خود افراد دلالت دارد، چنان که امام صادق (علیه السلام) به یونس بن یعقوب می فرماید: «اعطها کیف شئت»⁽¹⁾ چه این که سیره ی مسلمانان و اجماع علما نیز بر این معنا دلالت دارد.

در برابر این نظریه گروهی از فقها بر این باورند که زکات بودجه ای است حکومتی و باید در اختیار امام و حاکم مسلمین قرار گیرد تا بر اساس مصلحت اسلام و مسلمانان به مصرف برسد.

البته بعضی از فقها بین زمان حضور و غیبت فرق گذاشته اند با این تفصیل که در زمان حضور باید به امام زکات داده شود و در زمان غیبت مالک می تواند خود به مصرف برساند.

مرحوم شیخ مفید بعد از نقل آیه ی شریفه ی «خذ من اموالهم

ص: 24

صدقة» می گوید: «فامر نبيّه (صلى الله عليه واله) باخذ صدقاتهم تطهيراً لهم بها من ذنوبهم ... و الامام قائم مقام النبي فيما فرض عليه مناقمة الحدود و الاحكام ... و جب حملها الى الفقهاء المأمومين ...» (1).

امام خمینی قدس سره پس از بیان این مطلب که خمس حق والی است می گوید: «كما انّ امر الزكوات بيده في عصره يجعل السهام في مصارفها حسب ما يرى من المصالح»؛ همان گونه که امر زکات در هر زمان بر عهده ی حاکم اسلامی است، وی بنا بر مصلحت سنجی مال زکات را در راه تعیین شده هزینه می کند. (2)

منابع نه گانه ی زکات

13- مسأله زکات يك نوع مالیات اسلامی است که خداوند پیامبر اکرم (صلى الله عليه واله) را مسئول گرفتن آن می نماید و به او می فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (3).

مرحوم طبرسی و مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه ی شریفه می فرمایند: سرّ این که قرآن کریم فرمود (من مالهم)، بلکه فرمود «من اموالهم» برای آن است که اشاره کند به این حقیقت که صدقه (زکات واجب) از انواع و

ص: 25

1- 29. مقنعه / ص 252.

2- 30. زکات در اندیشه ها / 230 - 220.

3- 31. توبه / 103.

اصنافی از مال ها گرفته می شود و به تعبیر دیگر «من اموالهم» اشاره به متعلقات و منابع نه گانه ی زکات است که بدین قرار است: 1 - گندم 2 - جو 3 - خرما 4 - کشمش که این ها را «غلات اربعه» می گویند. 5 - گوسفند 6 - گاو 7 - شتر که این ها را «انعام ثلاثه» نامند. 8 - طلا 9 - نقره که از این دو به عنوان «نقدین» یاد می شود. (1)

ب) در برابر نظر مشهور که زکات به نه چیز تعلق می گیرد، نظر دیگری هست مبنی بر این که تعلق زکات منحصر به نه چیز نیست، به دلیل این که علت وجوب زکات، فقرزایی است و تا فقر هست، باید زکات را از اجناس دیگر نیز داد. آنچه مهم است ریشه کن ساختن فقر و تهیدستی است.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «و لو انّ الناس اذوا زکاة اموالهم ما بقى مسلم فقيراً محتاجاً» (2). علاوه بر آن در 13 روایت، پس از بیان نه مورد زکات مزبور این عبارت دیده می شود: «و عفی رسول الله عما سوى ذلك»؛ از این عبارت روشن می شود که دامنه ی زکات گسترده بوده، ولی در زمان

ص: 26

1-32. تفسیر المیزان / ج 9 / ص 595؛ تفسیر مجمع البیان / ج 5 / ص 102.

2-33. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 5.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) چون با دریافت زکات از نه چیز، مشکل فقرا حل می شد، حضرت مابقی اجناس را از پرداخت زکات عفو کردند و این عفو حکومتی تنها برای زمان خاصی است، از این رو بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) حضرت علی (علیه السلام) برای اسب ها زکات تعیین کرد. بنا بر این دست حاکم اسلامی برای کم و زیاد کردن اقلام مشمول زکات باز است. هر گاه تعداد فقرا زیاد شد، حاکم اسلامی می تواند بر چیزی زکات قرار دهد و اگر مشکل فقرا حل شد می تواند زکات چیزی را حذف کند.

مصارف هشت گانه ی زکات

قرآن کریم در سوره ی توبه، موارد هشت گانه ای را که زکات به آن تعلق می گیرد، چنین بیان می کند:

1 - فقرا 2 - مساکین 3 - عاملان (گروهی که برای جمع آوری زکات سعی و تلاش می کنند). 4 - مؤلفه قلوبهم (کسانی که انگیزه ی معنوی برای پیشبرد اهداف اسلامی ندارند و با تشویق مالی می توان تألیف قلب و جلب محبت آنان را نمود مانند کفاری که به خاطر استفاده از همکاری آن ها در جهاد از طریق کمک مالی تشویق می شوند.

5 - آزاد ساختن بردگان. 6 - ادای دین بدهکاران. 7 - در

ص: 27

راه خداوند؛ منظور از آن تمام راه هایی است که به گسترش و تقویت آیین الهی منتهی می شود. 8 - ماندگان در راه یعنی مسافرانی که بر اثر علتی در راه مانده اند و زاد و توشه ی کافی برای رسیدن به وطن خود ندارند؛ «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (60)». (1)

نکته ها

14- بعضی از مفسران و فقها عقیده دارند که ظاهر آیه ی 60 از سوره ی توبه این است که باید زکات مال به هشت سهم مساوی تقسیم گردد و هر سهم در جای خود صرف شود مگر این که مقدار زکات به قدری ناچیز باشد که نتوان آن را به هشت سهم قابل ملاحظه تقسیم کرد.

ولی اکثریت قاطع فقها برآنند که اصناف هشت گانه ی فوق، مواردی است که صرف زکات در آن مجاز است و تقسیم کردن در آن واجب نیست.

سیره ی قطعی پیامبر صلی الله علیه وآله و امامان اهل بیت علیهم السلام و یاران آن ها نیز این معنا را تأیید می کند. علاوه بر آن با توجه به این که زکات يك مالیات اسلامی است و حکومت اسلامی

ص: 28

موظف است آن را از مردم وصول کند و هدف از تشریح آن رفع نیازمندی های گوناگون جامعه ی اسلامی می باشد، طبعاً چگونگی مصرف آن در این مصارف هشت گانه، بستگی به ضرورت های اجتماعی از يك سو و نظر حکومت اسلامی از سوی دیگر دارد. (1)

15- مصارف زکات با کلمه ی «انّما» که دلیل بر انحصار است آغاز شده و این نشان می دهد که بعضی از افراد خودخواه یا بی خبر، انتظار داشتند بدون هیچ گونه استحقاق سهمی از زکات دریافت دارند که با کلمه ی «انّما» دست رد به سینه ی همه ی آن ها زده شده است. (2)

16- در این احتمال که آیا فقیر و مسکین مفهوم واحدی دارند تنها در میزان تأکید متفاوتند یا در اصل مفهوم مخالف یکدیگر هستند، غالب مفسران احتمال دوم را پذیرفته اند.

فقیر به معنای کسی است که در زندگی خود کمبود مالی دارد، هر چند مشغول کسب و کار باشد و هرگز از کسی درخواست نکند، اما مسکین کسی است که نیازش شدیدتر است و دستش از کار کوتاه است و به همین جهت از این و آن درخواست می کند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «الفقیر الذی لا یسئل و

ص: 29

1-35. تفسیر نمونه / ج 8 / ص 8.

2-36. تفسیر نمونه / ج 8 / ص 4.

بعضی از مفسران گفته اند: فقیر و مسکین هرگاه جداگانه ذکر شدند، فقیر شامل مسکین هم می شود و هرگاه باهم ذکر شدند مانند آیه ی شریفه، هر يك معنای خاص خود را دارند؛ «اذا اجتمعا افترقا و اذا افترقا اجتمعا»(2).

17- شش گروه فقرا، مساکین، عاملین علیها، مؤلفه قلوبهم، غارمین و ابن سبیل که بدون کلمه ی «فی» ذکر شده اند یکسان هستند و دو گروه دیگر که «فی الرقاب» و «فی سبیل الله» است و با کلمه ی «فی» بیان شده، وضع خاصی دارند. شاید تفاوت تعبیر در این جهت باشد که گروه های شش گانه می توانند مالک زکات شوند و می توان زکات را به خود آن ها پرداخت، ولی دو گروه دیگر مالک زکات نمی شوند، بلکه باید در مورد آن ها مصرف گردد.

مثلاً بردگان را باید از طریق زکات خرید و آزاد کرد و همین طور «فی سبیل الله»؛ از قبیل: هزینه ی جهاد، تهیه ی اسلحه و یا ساختن مسجد و مراکز دینی و مانند آن ها هیچ يك مالک زکات نیستند، بلکه مصرف آند»(3).

ص: 30

1-37. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 144.

2-38. تفسیر اطیب البیان / ج 6 / ص 250.

3-39. تفسیر نمونه / ج 8 / ص 12.

18- گردآوری و تقسیم صدقات (زکات) و تعیین کارگزارانی برای آن از وظایف حکومت اسلامی است؛ «انّما الصدقات للفقراء ... و العاملين علیها». گردآورندگان زکات با اجازه و تعیین پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) اقدام به جمع آوری صدقات (زکات) می کردند. (1)

19- بهره گیری از امکانات اقتصادی در جهت جذب قلب ها و متمایل ساختن انسان ها به اسلام از وظایف حکومت اسلامی است؛ «انّما الصدقات للفقراء ... و المؤلفة قلوبهم».

با توجه به این که صدقات (زکات) در اختیار حکومت اسلامی است و خداوند تألیف قلوب را یکی از مصارف زکات قرار داده است، باید مسئولین به وسیله ی کمک های مالی، افراد ضعیف الایمان و یا مخالفان را به حق متمایل سازند. (2)

20- به فقیر از زکات به قدری می توان کمک کرد تا ثروتمند شود و مستطیع گردد. شخصی از امام باقر (علیه السلام) پرسید: چقدر از زکات را می توان به فقیر داد؟ حضرت فرمود: هر گاه به فقیر از زکات خواستی پرداخت کنی، به اندازه ای بده تا او را بی نیاز سازی؛ «اذا اعطیت الفقیر فأغنه». (3)

در روایت دیگر حضرت فرمودند: از زکات به مؤمن داده می شود به اندازه ای که از آن بخورد و بیاشامد و لباس

ص: 31

1- 40. تفسیر راهنما / ج 7 / ص 152.

2- 41. تفسیر راهنما / ج 7 / ص 153؛ تفسیر نور / ج 5 / ص 90.

3- 42. جامع الاحادیث الشیعة / ج 8 / ص 671.

تهیه کند و ازدواج کند و حج به جا آورد و صدقه بدهد؛ «و يعطى المؤمن من الزكوة ما يأكل منه ويشرب ويكتسى ويتزوج ويحج ويتصدق» (1).

21- همه ی دارایی های انسان از خودش نیست، دیگران هم در آن سهمی دارند و پرداخت کنندگان زکات نباید بر فقیران منت بگذارند. چون سهم زکات ملك خودشان است؛ «انما الصدقات للفقراء...» (2).

22- کار دارای بها و ارزش است و کارکنان مستحق مزد در برابر کار خویشند؛ «و العاملين علیها». با توجه به این که برای کارگزاران امور صدقات و زکات سهمی قرار داده شده، و این سهم در برابر کار آنان است، چه نیازمند باشند چه بی نیاز، سهم آن ها را باید پرداخت. (3) 23- در دادن زکات به فقرا و مستمندان باید اولویت ها را در نظر گرفت. از نظر قرآن کریم برخی از تهیدستان افرادی آبرومند و دارای شخصیت هستند؛ از این رو هرگز رغبتی برای درخواست کردن ندارند، با آنکه گرفتار کمبود مالی هستند.

این گروه از فقرا و تهیدستان در راه خداوند گرفتار و

ص: 32

1-43. جامع الاحادیث الشیعة / ج 8 / ص 671.

2-44. تفسیر نور / ج 5 / ص 90.

3-45. تفسیر نور / ج 5 / ص 90؛ تفسیر راهنما / ج 7 / ص 153.

محاصره شده اند و قدرت مسافرت و هجرت را نیز ندارند، و آن چنان از شدت عفت ظاهر خویش را حفظ می کنند که شخص ناآگاه گمان می کند این ها ثروتمند هستند لذا این گروه را باید مقدم داشت؛ «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ» (1).

24- تقسیم زکات باید بر اساس دستور الهی باشد نه بر طبق خواسته ی مردم. گرچه مستحق نباشند. از این رو قرآن کریم می فرماید: بعضی از منافقان هستند که در تقسیم (صدقات) به تو عیب می گیرند و می گویند: عدالت را رعایت نکردی، اما در حقیقت این چنین است که آنان به منافع خویش می نگرند. اگر سهمی به آن ها داده شود راضی و خوشحال می شوند (گرچه مستحق نباشند)، اما اگر چیزی از آن به آن ها داده نشود خشمگین می شوند؛ «وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْتَخْطُونَ» (58)». (2)

25- منحصر شدن مصارف صدقات (زکات) از سوی خداوند در موارد هشتگانه نشأت گرفته از علم و حکمت

ص: 33

1- 46. بقره / 273.

2- 47. توبه / 58.

خداوند است؛ «أَتَمَّا الصَّدَقَاتِ لِلْفُقَرَاءِ ... وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (1).

مقدم داشتن چند گروه در استفاده از زکات

از احادیث اسلامی استفاده می شود که چند گروه در استفاده از زکات مقدم هستند و باید آن ها را بر دیگران ترجیح داد، و از مجموع روایات استفاده می شود کسانی که از نظر عقل و علم و فهم و تدبیر بهره ی بیشتری دارند یا این که حیا می کنند و خجالت می کشند تا سؤال کنند یا این که جزو اقوام و خویشاوندان هستند، این افراد مقدم بر دیگران هستند.

الف- افراد با فضیلت؛ یکی از روایان گوید: از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم: «أَتَى رَبِّمَا قَسَمَتِ الشَّيْءَ بَيْنَ أَصْحَابِي أَصْلَهُمْ بَعْدَ فَكَيْفٍ أَعْطَاهُمْ قَالَ أَعْطَاهُمْ عَلَى الْهَجْرَةِ فِي الدِّينِ وَالْفَقْهِ وَالْعَقْلِ» (2)؛ یعنی به درستی که من گاهی اموال خود را بین اصحاب و دوستانم تقسیم می کنم چگونه به آن ها بپردازم؟ امام فرمود: آن ها که در هجرت در دین و فقه و عقل، بهره ی بیشتری دارند، بر کسانی که به این حد برخوردار نیستند، مقدم هستند.

ب- کسی که در تقاضا کردن حیا می کند؛ در روایت است که از امام کاظم (علیه السلام) سؤال شد آیا فقیری که درخواستی

ص: 34

1-48. تفسیر راهنما / ج 7 / ص 154.

2-49. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 181.

نمی‌کند در دادن زکات نسبت به فقیری که نیاز خود را ابراز می‌کند برتری دارد؟ فقال: «نعم يفضل الذي لا يسأل على الذي يسأل»⁽¹⁾؛ یعنی آری آن کسی که از تقاضا کردن حیا می‌کند فضیلت و برتری دارد بر کسی که درخواستش را ابراز می‌کند.

ج- اقوام و خویشاوندان؛ اسحاق بن عمّار می‌گوید: از امام کاظم (علیه السلام) پرسیدم اقوامی دارم که هنگام پرداخت زکات نزد من می‌آیند و من به آن‌ها کمک می‌کنم و بعضی از آن‌ها را بر دیگری ترجیح می‌دهم، آیا چنین روشی درست است؟ حضرت فرمود: آیا ایشان مستحق زکات هستند؟ گفتم: آری، فرمود: «هم افضل من غيرهم اعطهم»⁽²⁾؛ یعنی آری آن‌ها مقدم بر دیگران هستند، زکات را به آن‌ها عطا کن.

شخصی از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمود: از پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) سؤال شد: کدام صدقه برتری دارد؟ فقال: «على ذی الرحم الكاشح»⁽³⁾؛ فرمود: بر خویشاوندی که در دل نسبت به تو عداوتی دارد.

ص: 35

1-50. وسائل الشیعة / ج 6 / صص 169 و 281.

2-51. وسائل الشیعة / ج 6 / صص 169 و 281.

3-52. بحار الانوار / ج 96 / ص 159.

یکی از وظایف کسانی که قدرت و حکومت در دست آن هاست، این است که مسئله ی زکات را در جامعه ی اسلامی احیا کنند. قرآن کریم می فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ» (1).

نکته ها

26- اقامه ی نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف قطعی مسئولان حکومت است و به تعبیر دیگر، مسئولین نظام باید هم به فکر مشکلات اقتصادی مردم و هم به فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی جامعه باشند. (2)

27- مرحوم طبرسی می فرماید: اگر خداوند از میان همه ی عبادات، تنها نماز را و از میان همه ی جهات مالی، زکات را نام برده، به دلیل آن است که این دو، در باب خود رکنی عمده و رکن اساسی هستند. (3)

28- نکته ی جالب این که از نظر قرآن کریم اگر قدرت در دست افراد غیر مؤمن و غیر صالح باشد، جز فساد و بدبختی و ذلت چیزی عاید مسلمانان نمی شود؛ «إِنَّ الْمُلُوكَ

ص: 36

1- 53. حج / 41.

2- 54. تفسیر نور / ج 5 / ص 51.

3- 55. مجمع البیان / ج 7 / ص 239.

إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا» (1) و اگر قدرت و حکومت در دست افراد مؤمن و صالح باشد فرایض اسلامی زنده می گردد و مسلمانان در يك زندگی سعادت آمیز به سر خواهند برد و فقر و بدبختی از جامعه ریشه کن می شود. زیرا در پرتو حکومت اسلامی ثروتمندان موظفند زکات اموال خود را به تهیدستان بپردازند؛ «الَّذِينَ ان مَكَّنَاهُمْ ... و اتوا الزكوة».

زکات دادن در حال نماز

29- قرآن کریم مسئله ی پرداخت زکات را حتی در حال نماز ذکر کرده که دلالت بر اهمیت و ارزش این عمل دارد؛ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (55) (2)؛ یعنی سرپرست و رهبر شما تنها خداست و پیامبر او و آن ها که ایمان آوردند و نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

روایات بسیاری از شیعه و سنی نقل شده که این آیه درباره ی حضرت علی (علیه السلام) نازل شده که در حال رکوع به نیازمندی انگشتر عطا فرمود و نزول این آیه به دلیل اخلاص و ایثار آن بزرگوار بود.

الف - جریان انگشتر بخشی به سائل را 10 نفر از اصحاب

ص: 37

1- 56. نمل / 34.

2- 57. مائده / 55.

پیامبر صلی الله علیه وآله مانند ابن عباس، عمار یاسر، جابر بن عبدالله، ابوذر، انس بن مالک، بلال و... نقل کرده اند و شیعه و سنی در این باره اتفاق نظر دارند.

ب - پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) در غدیر خم برای بیان مقام حضرت علی (علیه السلام) این آیه ی شریفه را تلاوت فرمود و خود حضرت علی (علیه السلام) نیز برای حقانیت خویش بارها این آیه را خواند.

ج - کلمه ی «ولی» در این آیه به معنای دوست و یاور نیست. چون دوستی و یاری مربوط به همه ی مسلمانان است نه آنان که در حال رکوع اتفاق می کنند.

د - کارهای جزئی مثل اتفاق انگشتر، نماز را باطل نمی کند. (1)

30- کسانی که اهل نماز و زکات نیستند، حق ولایت بر مردم را ندارند. در جمله ی «اتّما ولیکم الله» کلمه ی «اتّما» نشانه ی انحصار ولایت در افراد خاص است.

در فرهنگ قرآن به صدقه مستحبی هم زکات گفته می شود؛ «یؤتون الزکوة»

ص: 38

«وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ... فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ...» (1)؛ و در راه خدا جهاد کنید چنان که شایسته‌ی جهاد (در راه) اوست او شما را بر همه‌ی امت‌ها برگزید و در دین (اسلام) هیچ‌گونه دشواری بر شما قرار نداد.

نکته‌ها

31- احکام دین مبین اسلام از جمله پرداخت زکات، بر آسانی و سهولت جعل شده به گونه‌ای که بر فطرت پاک بشر سختی و دشواری وارد نشود، و این امر را در مسئله‌ی زکات به خوبی می‌توان متوجه شد.

از آنجا که بر افراد مخصوص و بر اشیای خاصی زکات واجب شده که غالب مردم به دادن زکات مکلف نیستند و علاوه بر آن در تمام نعمت‌های الهی تنها به‌نهی چیز زکات تعلق می‌گیرد. از این رو در ابتدای آیه‌ی شریفه می‌فرماید: در دین بر شما دشواری جعل نشده و بعد دستور به نماز و زکات می‌دهد.

از این رو، شخصی از حضرت صادق (علیه السلام) در مورد زینت سؤال کرد که آیا متعلق زکات است؟ حضرت فرمود: خیر.

ص: 39

همچنین حضرت باقر (علیه السلام) فرمودند: در آنچه از زمین می روید از برنج، ذرت، ارزن، نخود، عدس، حبوبات و میوه ها به هیچ یک از این امور زکات تعلق نمی گیرد. (1) 32- پرداخت زکات در کنار اقامه ی نماز، نشانه ی تشکر از نعمت خداوند است که ما را به مسلمانی انتخاب کرد؛ «هو اجتیبکم ... فاقیموا الصلوة و اتوا الزکوة».

و تنها نباید به برگزیده بودن و نام اسلام و مسلمانی تکیه کنیم، بلکه باید با نماز و پرداخت زکات و تمسک به خداوند از این افتخارات پاسداری کنیم. (2)

زکات یکی از برنامه های دائمی مؤمنان

قرآن کریم برای مؤمنان هفت برنامه ی مستمر و دائمی بیان می کند: 1 - خشوع در نماز 2 - اعراض از لغو و بیهودگی 3 - پرداخت زکات 4 - پاکدامنی 5 - رعایت امانت

ص: 40

1- 60. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 107؛ جامع احادیث الشیعة / ج 8 / ص 127.

2- 61. تفسیر نور / ج 8 / ص 76.

7 - محافظت بر نماز؛ «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ» (1).

نکته ها

33- در سوره ی توبه و سوره ی نمل نیز پرداخت زکات از اوصاف و خصایص برجسته ی مؤمنان شمرده شده است:

الف - «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» (2).

ب - «هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» (3).

34- در قرآن کریم گروه های مختلفی از رستگاران شمرده شده اند که از جمله ی آن ها پرداخت کنندگان زکات هستند:

الف - پرهیزکاران با صفات ویژه؛ «هُم يُوقِنُونَ... أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (5).

ب - مجاهدان با مال و جان؛ «لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ

ص: 41

1- 62. مؤمنون / 4 - 1.

2- 63. توبه / 71.

3- 64. نمل / 3 - 2.

4- 65. بقره / 5.

ج - حزب الله؛ «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (22)». (2).

د - اهل ايثار و سخاوت؛ «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (9)». (3).

ه - اهل ذکر كثير؛ «وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (45)». (4).

و - توبه کنندگان؛ «توبوا الى الله جميعاً أيها المؤمنون لعلكم تفلحون». (5).

ح - پرداخت کنندگان زکات؛ «قد افلح المؤمنون ... و الذين هم للزكوة فاعلون».

انتخاب فعل ماضی «افلح» در مورد رستگاری مؤمنان برای تأکید هر چه بیشتر است؛ یعنی رستگاری آن ها آنقدر مسلم است که گویی قبلاً تحقق یافته و ذکر کلمه ی «قد» قبل از آن نیز تأکید دیگری برای موضوع است. (6).

35- تعبیراتی همچون «خاشعون، معرضون، يحافظون و فاعلون» به صورت فعل مضارع یا اسم فاعل دلالت بر

ص: 42

1- 66. توبه / 88.

2- 67. مجادله / 22.

3- 68. حشر / 9؛ تغابن / 16.

4- 69. انفال / 45.

5- 70. تفسیر نور / 31؛ مؤلف.

6- 71. تفسیر نمونه / ج 14 / ص 203.

استمرار و دوام این اوصاف دارد. (1)

در بسیاری از آیات قرآن از تقوا سخن گفته شده و هدف از احکام دین هم رسیدن به تقواست؛ «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» و آخرین هدف تقوا، رسیدن به فلاح و رستگاری است؛ «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (130). (2)

جالب این است که مهم ترین و آخرین هدف دین اسلام، در اولین شعار آن بیان شده است؛ «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»؛ به یگانگی خدا ایمان بیاورید و لا اله الا الله بگوئید و به خداوند متعال معتقد شوید تا رستگار گردید. (3)

در یازده مورد کلمه ی «فلاح» با کلمه ی «لعل» همراه است؛ «لعلکم تفلحون»، لکن در سه مورد به طور قطعی و حتمی و بدون کلمه ی «لعل» بیان شده یکی در سوره ی مؤمنون، یکی در سوره ی شمس «قد افلح من زکیها» و دیگری در سوره ی اعلی «قد افلح من تزکی» از مقایسه ی این سه مورد با یکدیگر روشن می شود که ایمان و ترکیه دارای جوهر واحدی هستند. (4)

ص: 43

1-72. تفسیر نمونه / ج 14 / ص 203.

2-73. آل عمران / 130.

3-74. تفسیر نور / ج 8 / ص 80.

4-75. تفسیر نور / ج 8 / ص 80.

پیمان شکنی بنی اسرائیل نسبت به پرداخت زکات

36- قرآن کریم در دو آیه از سوره ی بقره، به بنی اسرائیل علاوه بر بر اقامه ی نماز، دستور پرداخت زکات می دهد و در يك مورد از آنان میثاق و پیمان گرفته که زکات را بپردازند، اما اکثریت آنان پیمان شکنی کردند:

الف - «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ...»

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (43)» (1).

ب - «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ (83)» (2)؛ و به یاد آرید زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان احسان کنید و با مردم به زبان خوش سخن بگویید و نماز بر پا دارید و زکات بدهید، اما (شما با این که پیمان بسته بودید)، جز عده ی کمی سرپیچی کردید و روی گردان شدید.

نکته ها

37- از تعبیر به «اتوا الزکوة» نه (زکوا) که هم به عنوان «ایتاء» امر شده و هم به صورت جمع آمده، و آحاد اهل

ص: 44

1- 76. بقره / 43.

2- 77. بقره / 83.

کتاب را در بر دارد، ممکن است استفاده شود که مقصود احیای این واجب اجتماعی و مرتفع ساختن فقر عمومی در سطح جامعه است. (1)

38- مراد از «زکوة» در آیه ی شریفه، با توجه به مدنی بودن آیه و نزول آن پس از تشکیل حکومت اسلامی، همان زکات مالی واجب یا اعم از زکات مالی واجب و مستحب است و چون زکات عملی قریبی و عبادی است، باید با قصد قربت و توجه قلبی و خشوع درونی آن را به جا آورد که تنها در این صورت سبب پیوند میان انسان ها می شود نه با منت و آزار بعدی؛ «منّ و اذی» که در این حال از تأثیر معنوی آن کاسته می گردد. (2)

39- علاوه بر پرداخت زکات، احسان به مستمندان و ایتام نیز لازم است. در آیه ی شریفه هم موضوع زکات مطرح شده است و هم احسان به مساکین و یتیمان و خویشاوندان.

40- اعتقاد به توحید، احسان به والدین و ایتام و مساکین همراه با دستور پرداخت زکات و برخورد نیکو با مردم و به پا داشتن نماز نشانه ی جامعیت اسلام است.

41- ادای حقوق دارای مراتب و مراحل مختلفی است: اول حق خداوند سپس والدین، بعد خویشاوندان، سپس یتیمان

ص: 45

1-78. تفسیر تسنیم / ج 1 / ص 118.

2-79. تفسیر تسنیم / ج 1 / ص 118.

که کمبود محبت دارند و آنگاه مساکین که کمبود مادی دارند. (1) 42- دلیل وجوب پرداخت زکات، آن است که نیازمندی های ضروری مستمندان در جامعه تأمین و اموال ثروتمندان از نابودی حفظ گردد.

حضرت رضا (علیه السلام) می فرماید: «... انّ علة الزکوة من اجل قوت الفقراء و تحصين اموال الاغنياء». (2)

زکات؛ عبادت موقت (زمانمند)

قرآن کریم وقتی مردان الهی را توصیف می کند، می فرماید: آنان کسانی هستند که هیچ تجارت و معامله و داد و ستدی آنان را از یاد خداوند و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات سرگرم و مشغول نمی سازد؛ «رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله و اقام الصلوة و ايتاء الزکوة». (3)

نکته ها

43- مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: يك تقابل بسیار زیبا در این آیه مطرح است. چون تجارت يك حرفه و شغل مستمر، و بيع

ص: 46

1- 80. تفسیر نور / ج 1 / ص 149.

2- 81. تفسیر نور الثقلین / ج 1 / ص 74.

3- 82. تفسیر نور / ص 37.

يك حرفه و شغل موقت است، همچنين ياد خدا يك عبادت دائم و مستمر و نماز و پرداخت زكات يك عبادت موقت (زمانمند) است، بنابراین معنای آیه ی شریفه این است که مردان الهی کسانی هستند که حرفه و شغل مستمر و موقت آن ها را از عبادت دائمی یا موقت خداوند باز نمی دارد. (1)

44- ترك تجارت ارزش نیست، بلکه تجارت همراه با یاد خدا و برپائی نماز و ادای زكات ارزش است. مردان خدا برای زندگی مادی تلاش می کنند، ولی از آخرت غافل نیستند. (2)

45- نماز و زكات عدل یکدیگرند و تاجرانی استحقاق ستایش دارند که اهل هر دو باشند. (3)

زكات در ردیف ایمان به مبدأ و معاد

46- قرآن کریم به دلیل عظمت موضوع زكات آن را در ردیف ایمان به مبدأ و معاد بیان کرده و بر پا داشتن نماز و پرداخت زكات و بیم داشتن از خداوند و ترسیدن از غیر او را از جمله اوصاف معماران و متولیان مساجد خداوند دانسته است؛ «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ

ص: 47

1-83. تفسیر المیزان / ج 15 / ص 180.

2-84. تفسیر نور / ج 8 / ص 188.

3-85. تفسیر نور / ج 8 / ص 188.

أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (18)»(1)؛ مساجد خدا را تنها کسانی آباد می کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته، زکات داده و جز از خدا ترسیده اند، پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند.

نکته ها

47- از این که از میان تمام وظایف شرعی موضوع برپاداشتن نماز و پرداخت زکات بیان شده، اهمیت و عظمت این دو فریضه ی الهی روشن می گردد و اگر کسی به این دو واجب بی اعتنا باشد، حق تعمیر و رسیدگی به امور مساجد را ندارد، بنابراین تنها کسانی عهده دار امور مساجد خدا هستند که دارای پنج وصف باشند: 1 - ایمان به خدا. 2 - ایمان به قیامت. 3 - برپا داشتن نماز. 4 - پرداخت زکات. 5 - نترسیدن و نداشتن بیم و هراس نداشتن مگر از خداوند متعال.

ص: 48

48- نکته‌ی قابل توجه این است که با وجود ایمان به مبدأ و معاد و اعمال شایسته‌ی ای مانند نماز و زکات، انسان در زندگی هیچ‌گاه نباید متکی به خویش باشد، بلکه باید به فضل و هدایت او امیدوار باشد؛ زیرا در هر لحظه خطر انحراف و سقوط وجود دارد؛ «فعسی اولئك ان یكونوا من المهتدین».

پرداختن زکات از اموال طیب و پاکیزه

یکی از اموری که باید هنگام پرداخت زکات رعایت شود، این است که پرداخت کنندگان زکات، باید از بهترین اموال و از مرغوب‌ترین اجناسی که مورد تعلق زکات است، آن را بپردازند. متأسفانه گروهی از مردم از اموال بی ارزش و آنچه مورد رغبت و تمایل آن‌ها نیست زکات می‌دهند. قرآن کریم به اهل ایمان دستور می‌دهد که از قسمت‌های طیب و پاکیزه اموال خویش انفاق کنند و زکات بدهند و آنچه را که اگر کسی به خود آن‌ها بدهد دریافت نمی‌کنند (مگر از روی اغماض و چشم‌پوشی) به افراد مستحق بپردازند؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ... وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (267). (1)

ص: 49

49- در حقیقت این آیه ی شریفه به نکته ی دقیقی اشاره می کند و آن این که انفاق و زکات که در راه خدا انجام می شود يك طرف آن مستمندان هستند و طرف دیگر خداوند که به خاطر او انفاق و زکات انجام می گیرد. در این حال اگر اموال پست و بی ارزش انتخاب شود، از يك سو توهین به مقام شامخ پروردگار محسوب می شود که او را شایسته ی اجناس طیب نشمرده و از سوی دیگر تحقیر نسبت به نیازمندان است.

50- در روایت است که ابو بصیر از تفسیر آیه ی شریفه ی فوق از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال کرد. حضرت فرمودند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) هر گاه امر به تزکیه و پرداخت زکات خرما می فرمود، گروهی از اقوام می آمدند که خرماهای رنگارنگ داشتند و پست ترین خرما را به عنوان زکات آورده بودند و خرمایی که به عنوان زکات می دادند به نام «جعرور» و «معافاره» بود که کم گوشت و دارای هسته ی بزرگ بود و بعضی از مسلمانان هم خرماهای خوب می آوردند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) فرمود: مخلوط نکنید این دو خرما را به یکدیگر و چیزی از آن نیاورید و در این رابطه آیه ی فوق نازل

51- این آیه ی شریفه می گوید: به هنگام انفاق و (دادن زکات) باید از مال پاکیزه انفاق کنید نه از مال پستی که کسی آن را جز با چشم پوشی نمی گیرد، زیرا انفاق از اموال بی ارزش موجب محبت و کمال نفس نخواهد شد. (2)

52- در انفاق و (دادن زکات) تنها از چیزهای ناپاک و پست انفاق نکنید، بلکه فکر آن را هم نکنید و قصد این چنین کاری را هم نداشته باشید؛ «ولا تیمموا». (3)

53- وجدان انسان بهترین معیار برای شناخت پسندیده از امور ناپسند است. پس هر آنچه را می پسندی و خوش داری که به تو انفاق کنند شایسته است همان را انفاق کنی و اگر آن را دوست نمی داری شایسته ی انفاق نیست؛ «لستم بأخذیه الا ان تغمضوا فیه». (4)

آشکارا پرداختن زکات

54- قرآن کریم در مورد زکات واجب دستور می دهد که اگر آن را آشکارا و علنی بدهید، بهتر است؛ «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ...» (5)

ص: 51

1- 88. فروع کافی / ج 4 / ص 48.

2- 89. تفسیر المیزان / ج 2 / ص 551.

3- 90. تفسیر فتح القدر / ج 1 / ص 289؛ تفسیر نور / ج 1 / ص 430.

4- 91. تفسیر نور / ج 1 / ص 430.

5- 92. بقره / 271.

شاید به دلیل این باشد که اولاً: مایه ی تشویق دیگران به این فریضه ی الهی می شود، ثانیاً: رفع تهمت از انسان مسلمان می شود، دیگر مردم نمی توانند بگویند فلانی اهل زکات نیست، البته انسان انفاق مستحبی را به صورت مخفیانه بدهد بهتر است (چون به اخلاص نزدیک تر است).

همراه بودن زکات با نماز

55- در 26 مورد از آیات کریمه ی قرآن موضوع زکات همراه با نماز ذکر شده که در بدو امر ممکن است این سؤال را در ذهن ایجاد کند که چگونه از میان آن همه برنامه های عملی، اسلام تنها این دورا مورد تأکید قرار داده است.

علت آن است که اسلام ابعاد مختلفی دارد که می توان آن را در سه بُعد خلاصه کرد:

1 - رابطه ی انسان با خدا.

2 - رابطه ی انسان با خلق خدا.

3 - رابطه ی انسان با خودش.

دو برنامه ی نماز و زکات به مثابه نمادی است برای ایجاد رابطه با خدا و خلق خدا. نماز مظهري است برای هر گونه رابطه با خدا. زیرا این رابطه در نماز از هر عمل دیگری بهتر مشخص می شود و زکات رمزی است برای پیوند انسان با خلق خدا.

ص: 52

به هر حال ایمان انسان در صورتی ریشه دار است که در عمل متجلی شود و انسان را از يك سو به خدا و از سوی دیگر به بندگانش نزدیک می کند.

در روایات اسلامی هم موضوع زکات در کنار نماز بیان شده و جالب این که آن قدر این دو عبادت به یکدیگر نزدیک هستند که در برخی از احادیث شرط قبولی و پذیرفته شدن نماز را پرداخت زکات دانسته اند.

حضرت رضا (علیه السلام) می فرماید: «... من صلی و لم یزک لم یقبل منه صلاته»⁽¹⁾؛ هر کس نماز بگذارد و زکات را ندهد، نماز او قبول نخواهد گردید.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «... ثم ان الزکاة جعلت مع الصلوة قرباناً لاهل الاسلام»⁽²⁾؛ زکات به همراه نماز به عنوان وسیله ی تقرب اهل اسلام به سوی خداوند قرار داده شده است.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) در مسجد به شخصی فرمود: بلند شو فلانی و به دیگری نیز فرمود: بلند شو فلانی، تا این که پنج نفر شدند، سپس آنها را از مسجد بیرون نمود. فرمود: از مسجد خارج شوید، در مسجد ما دیگر نماز نخوانید. زیرا زکات را پرداخت نمی کنید؛ قال

ص: 53

1-93. عیون اخبار الرضا / ص 258.

2-94. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 7.

الباقر (عليه السلام): «بينما رسول الله في المسجد اذ قال قم يا فلان قم يا فلان ... حتى اخرج خمسة نفر فقال اخرجوا من مسجدنا لاتصلوا فيه وانتم لا تزكون» (1).

زکات نشانه ی آیین محکم و استوار

قرآن کریم نشانه ی دین قیّم و محکم را اخلاص در دین و اقامه ی نماز و پرداخت زکات می داند؛ «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ (5)» (2).

در حالی که به آن ها دستوری داده نشده بود، مگر این که خداوند را پرستش کنند و با کمال اخلاص نماز را بر پا دارند و زکات را ادا کنند و این است آیین مستقیم و صحیح و پایدار.

نکته ها

56- «حنفاء» جمع «حنیف» به معنای متمایل شدن و دور شدن از افراط و تفریط و رو آوردن به حال اعتدال است و خداوند متعال بدین جهت اسلام را دین حنیف قرار داده که مردم را دستور دهد تا در تمامی امور زندگی اعتدال را رعایت کنند (3).

ص: 54

1-95. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 12.

2-96. بینة / 5.

3-97. تفسیر المیزان / ج 20 / ص 781.

57- جمله ی «یقیموا الصلوة و یؤتوا الزکوة» از باب ذکر خاص بعد از عام یا ذکر جزء بعد از کلّ است که گوینده به آن مورد خاص عنایت بیشتری دارد و خداوند در این جا بعد از ذکر عبادت، تنها موضوع نماز و زکات را مطرح کرد. چون این دو از ارکان اسلام هستند.

58- جمله ی «و ذلك دين القیمة» اشاره به این است که توحید خالص و نماز و زکات از اصول ثابت و پا بر جای همه ی ادیان است، بلکه می توان گفت این ها در متن فطرت آدمی قرار دارد، بنا بر این دین کامل مجموعه ای از اعتقاد سالم و عمل صالح است. (1)

عبادت خالص برای خداوند دارای عظمت ویژه ای است. کلمه ی «ذلك» که برای اشاره به دور است، به این مطلب اشعار دارد. (2)

ص: 55

1-98. تفسیر کبیر / ج 32 / ص 48؛ تفسیر نمونه / ج 27 / ص 205.

2-99. تفسیر روح المعانی / ج 30 / ص 204.

زکات مایه رشد دارایی ها

59- برخلاف پندار بعضی از مردم که گمان می کنند اگر زکات اموال خود را پردازند در ثروت خود دچار کمبود و نقصان می شوند، قرآن کریم می فرماید: این چنین نیست، نه تنها از دارایی ها کم نمی شود، بلکه باعث می گردد اموال انسان رشد و نمو طبیعی کند و فراوان شود. چرا که از دیدگاه قرآن کریم، خداوند ربا را نابود می کند و صدقات و (زکات) را افزایش می دهد؛ «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيهِ الصَّدَقَاتِ (1)».

ص: 57

از آنجا که رباخوار به وسیله ی ثروتی که در دست دارد حاصل دسترنج طبقه ی زحمتکش را جمع می کند و گاه با این وسیله به هستی و زندگی آنان خاتمه می دهد و لاقفل بذر دشمنی و کینه در دل آنان می پاشد به گونه ای که آنان تدریجاً تشنه به خون رباخوار می گردند و جان و مالش را در معرض خطر قرار می دهند.

در مقابل، کسانی که با عواطف انسانی و دلسوزی در اجتماع گام می نهند و از سرمایه و اموالی که تحت اختیار دارند انفاق کرده و زکات اموال خویش را می پردازند و در رفع نیازمندی های مردم می کوشند، با محبت و عواطف مواجه می گردند و سرمایه ی آن ها نه تنها در معرض خطر نیست، بلکه با همکاری عمومی به طور طبیعی رشد می نماید.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) می فرماید: «ما حبس عبد زکاته فزادت فی ماله»⁽¹⁾؛ رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: هیچ کسی بر اثر حبس و نگهداشتن زکات، مالش زیاد نشده است.

قرآن کریم می فرماید: شما هر چه در راه خدا انفاق کنید، خداوند جای آن را فوراً پر می کند؛ «... وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ...»⁽²⁾.

ص: 58

1-101. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 14.

2-102. سبأ / 39.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) هم در این رابطه می فرماید: «من ایقن بالخلف سخت نفسه بالتفقه...»⁽¹⁾؛ کسی که جایگزینی را باور داشته باشد، نفس خود را به انفاق سخی می سازد، بعد آیه ی 39 از سوره سبأ را تلاوت فرمود. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «لو انّ احدکم اکتسب المال من حلّه و انفقّه فی حلّه لم ینفق درهماً الاّ اخلف علیه»⁽²⁾؛ اگر کسی از شما مال حلالی به دست آورد و در مسیر حلال مصرف کند و انفاق نماید، هیچ درهمی را انفاق نمی کند مگر این که خداوند عوضش را به او می دهد.

60- با توجه به این حقیقت که انفاق واجب، شامل زکات هم می شود، بنا بر این صراحت قرآن و احادیث، این مطلب را به ما خاطر نشان می سازد که هر گاه انسان زکات مال خود را بپردازد، فوراً خلأ آن پر می شود و هیچ گونه نگرانی باقی نمی ماند؛ زیرا خداوند متعال تضمین کرده با مواهب مادی و معنوی خود، چندین برابر و حداقل ده برابر و گاه هزاران برابر به انسان عطا کند.

زکات مایه ی از بین رفتن گناهان

در قرآن کریم اسباب مختلفی برای از بین رفتن گناهان و تکفیر سیئات بیان شده از جمله:

ص: 59

1-103. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 9.

2-104. تفسیر برهان / ج 3 / ص 353.

الف- توبه؛ « تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ ». (1).

ب- پرهیزکاری؛ « إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا... وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ ». (2).

ج- هجرت و جهاد و شهادت؛ « فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ (195) ». (3).

د- قرض الحسنه؛ « إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ». (4).

ح- پرهیز از گناهان بزرگ؛ « إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكُفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ (31) ». (5).

61- یکی از عوامل و اسبابی که باعث از بین رفتن گناهان انسان می شود آن است که اگر زکات به اموال او تعلق می گیرد، زکات آن را پرداخت کند؛ « أَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ ». (6).

امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «ثم ان الزكوة جعلت مع الصلوة قرباناً لاهل الاسلام. فمن اعطاها طيب النفس بها

ص: 60

1- 105. تحریم / 8.

2- 106. انفال / 29.

3- 107. آل عمران / 195.

4- 108. تغابن / 17.

5- 109. نساء / 31.

6- 110. مائده / 12.

فانها تجعل له كفارة و من النار حجاباً و وقاية»(1)؛ سپس به راستی زکات با نماز وسیله ی نزدیکی و قرب برای مسلمانان (به سوی خداوند) قرار داده شده، هر کس آن را با میل و رغبت و خوشدلی عطا کند باعث کفاره ی گناهان و از بین رفتن معصیت های او می شود، علاوه بر آن مانع و نگهدار او از آتش جهنم خواهد بود.

زکات مایه ی جلب رحمت خداوند

62- از نظر قرآن کریم عوامل مختلفی باعث جلب رحمت الهی می گردد. مانند:

الف - سکوت و رعایت ادب به هنگام تلاوت قرآن کریم؛ «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (204)». (2)

ب - اصلاح میان برادران و رعایت تقوا؛ «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (10)». (3)

ج - صبر و پایداری در برابر مصائب؛ «بَشِّرِ الصَّابِرِينَ...أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ». (4)

از جمله اموری که باعث می شود تا انسان مشمول لطف و رحمت خاصه ی خداوند قرار گیرد، پرداختن زکات است؛ «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ

ص: 61

1-111. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 7.

2-112. اعراف / 204.

3-113. حجرات / 10.

4-114. بقره / 155.

يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (156)»(1)؛ گرچه رحمت خداوند بسیار گسترده و وسیع است که همه ی موجودات را شامل می شود، اما از آیه ی فوق استفاده می شود که رحمت خاصه و لطف ویژه ی خداوند، بهره کسانی است که علاوه بر پرهیزکاری، نماز را بر پا دارند و زکات اموال خود را پردازند.

زکات عامل تزکیه ی نفس

63- از نظر قرآن کریم هدف از بعثت انبیا علاوه بر تعلیم کتاب و حکمت، تزکیه ی نفوس انسان ها بوده است که این حقیقت در چهار آیه از قرآن کریم بیان شده است؛ « وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ ». (2)

یکی از عواملی که باعث تزکیه ی نفس و عامل رشد و ترقی و تکامل روحی بشر می گردد، پرداخت زکات است. زیرا در پرتو زکات هم روح سخاوت و ایثار در انسان زنده می شود و هم کمک و خدمتی به محرومین جامعه می گردد؛ از این رو قرآن کریم به پیامبر دستور می دهد که زکات را از مردم بگیرد تا بدین وسیله مردم رشد و کمال پیدا کنند؛ « خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا ». (3)

ص: 62

1- 115. اعراف / 156.

2- 116. بقره / 129؛ بقره / 151؛ ال عمران / 164؛ جمعه / 2.

3- 117. توبه / 103.

64- اگر کسی در مسیر تزکیه ی نفس از جمله پرداختن زکات در صورتی که به اموال او زکات تعلق گیرد. قدم برداشت به سود خویش کار کرده است؛ قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ» (1).

البته به این حقیقت باید توجه داشت که توفیقات انسان در مسیر تزکیه ی نفس در پرتو فضل و لطف خداوند است؛ «و لولا فضل الله ما زکی منکم من احد ابداً» (2).

زکات عامل طهارت روحی

65- از نظر قرآن کریم احکام اسلامی به منظور تطهیر روح بشر از رذایل اخلاقی و نفسانی است؛ مانند احکام سه گانه (غسل، وضو و تیمم)، گرچه به وسیله ی این امور انسان طهارت ظاهری و بدنی پیدا می کند و می تواند نماز بخواند که در حدیث وارد شده: «لا صلوة الا بطهور»، اما فراتر از این طهارت ظاهری، انسان طهارت روحی و معنوی پیدا می کند.

هنگامی که انسان به وسیله ی خاک تیمم می کند، روح او از مرض کبر و غرور پاک می گردد. از این رو قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ... فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا... وَلَكِنْ يُرِيدُ

ص: 63

1- 118. فاطر / 18.

2- 119. تفسیر نور / 21.

عامل دیگر برای تحصیل طهارت معنوی، عفت نفس و رعایت حریم ناموس دیگران است که قرآن کریم به مردم زمان پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: هر گاه خواستید از زنان پیامبر متاعی را درخواست کنید، از پشت پرده باشد، زیرا مایه ی طهارت قلب شما و آن هاست؛ « وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ » (2) یکی از عوامل طهارت روح بشر پرداختن زکات است که انسان از مرض بخل و دنیا دوستی و حرص بر جمع مال پاک و پاکیزه می گردد؛ « خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا » (3).

زکات و مشمول لطف خداوند شدن

66- از نظر قرآن کریم گروه های خاصی مشمول لطف خداوند هستند که به خاطر اوصاف و افعال پسندیده ای که دارند خداوند به آنان عنایتی ویژه دارد؛ از جمله آن ها کسانی هستند که زکات اموال خویش را می پردازند. در آیات ذیل برخی از گروه های مشمول لطف الهی ذکر

ص: 64

1- 120. مانده / 6)

2- 121. احزاب / 53.

3- 122. توبه / 103.

الف - نیکوکاران؛ «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ (128)». (1)

ب - پرهیزکاران؛ «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (194)». (2)

ج - صابران؛ «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (153)». (3)

د - پرداخت کنندگان زکات؛ «إِنِّي مَعَكُمْ لِنِ افْتَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي». (4)

زکات مایه ی نجات از قتل

67- از آنجا که از نظر اسلام بت پرستی باید ریشه کن شود. از این رو قرآن کریم به مسلمانان دستور می دهد با شدت و خشونت با مشرکان برخورد کنند و با در نظر گرفتن شرایط محیط و زمان و مکان و اشخاص مورد نظر یکی از چهار امر را انتخاب کنند: کشتن، اسیر کردن، محاصره کردن و بستن راه ها؛ «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ». (5)

لکن این شدت خشونت نه به مفهوم آن است که راه

ص: 65

1-123. نحل / 128.

2-124. بقره / 194.

3-125. بقره / 152.

4-126. مائده / 12.

5-127. توبه / 5.

بازگشت به روی آن‌ها بسته شده باشد. از این رو هر لحظه که بخواهند، می‌توانند جهت خود را تغییر دهند به همین علت بلافاصله می‌فرماید: اگر آن‌ها توبه کنند و نماز را برپا دارند و زکات را ادا کنند، آن‌ها را رها سازید و مزاحمشان نشوید؛ «فان تابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة فخلوا سبيلهم».

از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که برای قبولی توبه‌ی بت پرستان، اقامه‌ی نماز و ادای زکات نیز لازم است و به همین دلیل بعضی فقهای اهل سنت ترك نماز و زکات را دلیل بر کفر گرفته‌اند.

ولی حق این است که منظور از ذکر این دو دستور بزرگ اسلامی آن است که در تمام مواردی که ادعای اسلام‌گرایی مشکوک به نظر می‌رسد همان‌گونه که در مورد بت پرستان آن روز غالباً چنین بود، انجام این دو وظیفه‌ی بزرگ‌اسلامی را به عنوان نشانه‌ای برای اثبات گرایش آنها به اسلام قرار دهند... (1)

زکات عامل تحصیل خشنودی خداوند

قرآن کریم وقتی سفارش حضرت اسماعیل (علیه السلام) به خانواده‌اش را در باره‌ی نماز و زکات مطرح می‌کند،

ص: 66

می فرماید: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (55)». (1)

نکته ها

68- یکی از عوامل مهم و اساسی در تحصیل رضایت الهی، توجه به نماز و زکات است و اگر کسی رضایت حق را جلب کرد، به فوز عظیم و به رستگاری بزرگ دست یافته است.

قرآن کریم بعد از آن که نعمت جاویدان بهشت را برای بندگان خاص خدا بیان می کند می فرماید: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (119)». (2)

69- در نخستین مرحله برای تبلیغ احکام الهی باید انسان از خانواده ی خویش شروع کند که از همه به انسان نزدیک تر می باشند. از این رو پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) نخست دعوت خویشرا از اقوام خود شروع فرمود؛ «و انذر عشيرتك الاقربين». (3)

70- توصیه به نماز و زکات باید امری مستمر و دائمی باشد و انسان در برابر این دو فریضه ی الهی مسئولیت دارد و باید همیشه خانواده ی خویش را سفارش به نماز و زکات نماید. (4)

ص: 67

1- 129. مریم / 55.

2- 130. مائده / 119.

3- 131. شعراء / 214؛ تفسیر نمونه / ج 13 / ص 96.

4- 132. تفسیر نور / ج 7 / ص 284

71- زکات از نظر قرآن کریم همراه و ملازم با خیر و برکت در زندگی انسان خواهد بود؛ به دلیل این که واژه ی «زکات» با تمام مشتقاتش 32 بار در قرآن کریم مطرح شده است. همان گونه که واژه ی برکت با تمام مشتقات آن نیز 32 بار تکرار شده است و این نشانه ی آن است که زکات مساوی با برکت است.

72- حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید: «ما اذى احد الزكاة فنقصت من ماله ولا منعها احد فزادت في ماله»⁽¹⁾؛

هیچ فردی را نمی یابید که زکات مالش را پرداخت کرده و دچار کمبود درمان شده باشد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) می فرماید: «اذا اردت ان يثري الله مالك فركّه»⁽²⁾؛ هرگاه خواستی اموال تو افزون شود پس زکات آن را پرداخت کن.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «الزکوة تزيد في الرزق»⁽³⁾؛ زکات روزی را فراوان می کند.

ص: 68

1- 133. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 12.

2- 134. بحار الانوار / ج 96 / ص 23.

3- 135. بحار الانوار / ج 75 / 183.

73- از نظر قرآن کریم مسئله ی زکات بسیار دارای اهمیت و قداست است بطوری که خداوند متعال خودش آن را اخذ می کند و هیچ واسطه ای در بین نیست و نسبت به کمتر موضوعی به این اندازه توجه و عنایت شده است؛ «الم يعلموا انّ الله هو يقبل التوبة عن عباده و يأخذ الصدقات و انّ الله هو التّوّاب الرحيم»؛ آیا ندانستند که تنها خداوند از بندگانش توبه را می پذیرد و صدقات را می گیرد و این که خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.

نکته ها

74- پذیرش توبه گنه کاران از سوی خداوند در گرو اقدام های عملی آنان برای نشان دادن صداقت خود است و پرداخت زکات لازمه ی توبه ی واقعی است و به تعبیر دیگر توبه تنها پشیمانی قلبی نیست، بلکه به دنبال آن اصلاح و عمل لازم است. (1)

75- امام صادق (علیه السلام) از امام سجّاد (علیه السلام) نقل می کند که به تحقیق صدقه (زکات) در دست عبد قرار نمی گیرد مگر اینکه قبلاً در دست خدا قرار گیرد و این سخن خداست که فرمود: «هو يقبل التوبة عن عباده و يأخذ

ص: 69

76- گیرنده ی واقعی و حقیقی زکات خداوند است و پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) عامل و مأمور وصول زکات است. از این رو در آیه به عنوان تشویق می فرماید: مگر نمی دانید که این صدقات را خداوند می گیرد، و گرفتن پیامبر گرفتن خداست، پس در حقیقت گیرنده ی آن خود خداست.

نظیر این مطلب در داستان بیعت آمده است قرآن کریم خطاب به پیامبر می فرماید: کسانی که با تو بیعت کنند، در حقیقت با خدا بیعت کرده اند؛ «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ» (2).

چه این که هر کس از پیامبر صلی الله علیه وآله اطاعت کند در حقیقت خدا را اطاعت کرده است؛ «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (3).

77- اگر توبه را با دادن صدقه ذکر کرده برای این بوده که صدقه نیز خاصیت توبه را دارد. توبه پاك می کند، صدقه هم پاك می کند و دادن صدقه توبه ای است مالی همچنان که در میانه همه ی کارها توبه به منزله ی صدقه است؛ یعنی

ص: 70

1- 137. تفسیر عیاشی / ج 2 / ص 108.

2- 138. فتح / 100.

3- 139. نساء/ 80؛ تفسیرالمیزان/ ج 9 / ص 596؛ تفسیر کبیر / ج 16 / ص 191.

تنها خداوند توبه را می پذیرد و این امر پذیرفتن توبه حتی به پیامبر اکرم واگذار نشده است. (2) زکات پشتوانه ی جنگ و جهاد

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً...» (3)؛ آیا ندیدی کسانی را که (در مکه) به آن ها گفته شد فعلاً دست از جهاد بردارید و نماز را بر پا کنید و زکات بپردازید (اما آن ها از این دستور ناراحت بودند)، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آن ها داده شد، جمعی از آنان از مردم می ترسیدند به میزانی که از خدا می ترسیدند، یا بیش از آن در دل هراس داشتند.

نکته ها

78- مسلماً هر گونه جهادی بدون آمادگی های روحی و جسمی افراد و بدون پیوندهای محکم اجتماعی محکوم به شکست خواهد بود.

مسلمانان در پرتو نماز و نیایش با خدا ایمان خود را

ص: 71

1-140. تفسیر المیزان / ج 9 / ص 597.

2-141. تفسیر کبیر / ج 16 / ص 190.

3-142. نساء / 77.

محکم و روحیه ی خویش را پرورش می دهند همچنین در پرتو زکات شکاف های اجتماعی پر می گردد و با این پشتوانه اقتصادی تهیه ی نفرت آزموده و ابزار جنگی میسر می گردد به طوری که مسلمانان هنگام صدور فرمان جهاد آمادگی کافی برای مبارزه با دشمن را خواهند داشت. (1) 79- می دانیم که قانون زکات در مدینه نازل شد و در مکه زکات بر مسلمانان واجب نشده بود با این حال چگونه می تواند آیه ی فوق اشاره به وضع مسلمانان در مکه بوده باشد.

مرحوم شیخ طوسی می گوید: منظور از زکات در آیه ی فوق (زکات مستحب) بوده که در مکه وجود داشته است؛ یعنی قرآن مسلمانان را (حتی در مکه) تشویق به کمک های مالی به مستمندان می نمود. (2)

80- خودسازی مقدم بر جامعه سازی است. آن که اهل نماز و زکات نباشد، اهل اخلاص و ایثار هم نخواهد بود و نماز مقدم بر زکات است، هر جا نامی از این دو برده شده، اول نام نماز است. (3)

ص: 72

1- 143. تفسیر نمونه / ج 4 / ص 16.

2- 144. تفسیر تبیان / ج 3 / ص 261؛ تفسیر نمونه / ج 4 / ص 16.

3- 145. تفسیر نور / ج 2 / ص 333.

پاداش پرداخت کنندگان زکات نزد خداوند

قرآن کریم می فرماید: کسانی که دارای ایمان و عمل صالح باشند، علاوه بر آن نماز را بر پا دارند و زکات را پردازند، اجر و مزد آنان نزد پروردگار است و در قیامت هیچ نوع ترس و اندوهی برای آن ها نخواهد بود؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (277). (1)

نکته ها

81- ذکر نماز و زکات بعد از عمل صالح نشانه ی آن است که در میان کارهای شایسته حساب این دو جداست و این دو از بهترین نمونه های عمل صالح هستند. (2)

82- کسانی که دارای عمل صالح بوده و اهل نماز و پرداخت زکات هستند از منزلت ویژه ای برخوردارند. ظاهراً اضافه «ربّ» به ضمیر، تشریفیه است چنانچه آلوسی گوید: در تعبیر «عند ربّهم» افزونی لطف و شرافت به چشم می خورد. (3)

ص: 73

1- 146. بقره / 277.

2- 147. تفسیر راهنما / ج 2 / ص 276؛ تفسیر نور / ج 1 / ص 477.

3- 148. تفسیر راهنما / ج 2 / ص 275.

83- امنیت و آرامش واقعی در سایه ی ایمان و عمل صالح و پیوند با خدا (نماز) و پیوند با مردم (زکات) به وجود می آید؛ «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (13)

زکات و تجسم عمل

از دیدگاه قرآن کریم همه ی اعمال ما چه خوب، چه بد در روز قیامت مجسم می شود و انسان نتیجه و ثمره ی آن را می بیند؛ «وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا» (1) و «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحَضَّرًا». (2)

یکی از عباداتی که در قیامت مجسم می شود و نتیجه ی آن به انسان می رسد، پرداخت زکات است. قرآن کریم می فرماید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (110) (3)؛ یعنی نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و آنچه را که از عمل خیر انجام می دهید و مقدم می دارید، در نزد خدا در عالم قیامت می یابید به راستی که خداوند به آنچه عمل می کنید، آگاه است.

ص: 74

1- 149. کهف / 49.

2- 150. آل عمران / 30.

3- 151. بقره / 110.

84- قرآن کریم در غالب مواردی که مسأله ی اقامه ی نماز را مطرح می کند، مسأله ی پرداخت زکات را نیز خاطر نشان می سازد، و به آن دستور می دهد؛ به دلیل این که این دو دستور سازنده است؛ اولی مؤثر در اصلاح حال فرد و دومی مؤثر در حال جامعه. (1)

تذکر: البته این معنا منافاتی با آن ندارد که نماز در عین تأثیر در حال فرد، مؤثر در اصلاح حال جامعه نیز باشد؛ چنان که پرداخت زکات همان گونه که مؤثر در اصلاح حال جامعه است، مؤثر در اصلاح حال فرد نیز می باشد به نحوی که فرد را از مال دوستی رهایی می بخشد.

85- کار خیری که انسان انجام می دهد نفع و سودش نصیب خود او می شود (لأنفسکم)، این کار نزد خداوند محفوظ است؛ (عندالله) و نتیجه ی عمل خیر به انسان می رسد (تجدوه) و اعمال انسان در قیامت مجسم می شود. (2)

86- این آیه ی شریفه با آیه ی شریفه ی سوره ی مزمل از نظر معنا هماهنگ است، منتها آن آیه ی شریفه يك ذیلی دارد و آن این که آنچه شما تقدیم خداوند می کنید، اجر و پاداش آن

ص: 75

1-152. تفسیر مراغی / ج 1 / ص 191.

2-153. تفسیر مجمع البیان / ج 1 / ص 355.

بزرگ تر است؛ «و ما تقدموا لانفسكم من خير تجدوه عند الله هو خيراً و اعظم اجراً».

87- مقدار کمک مهم نیست هر کس هر مقدار می تواند باید کمک کند (من خیر) اعمال انسان قبل از خود انسان وارد عرصه ی ارزیابی قیامت می شود (تقدموا). (1)

88- خداوند نسبت به تمام اعمال انسان چه خیر و چه شر آگاه است. زیرا «بما تعملون» مطلق است و مقید به خیر یا شر نشده است، پس این آیه ی شریفه هم دلالت بر تشویق در انجام کار خیر دارد و هم از کار شر انسان را برحذر می دارد. (2)

زکات و اخلاص

89- قرآن کریم عملی را که از روی اخلاص انجام شود، قابل پذیرش در نزد خداوند می داند؛ یعنی تنها رضایت و خشنودی خداوند محور کار و عمل می باشد، از این رو گاهی از آن تعبیر به «فی سبیل الله» می کند و گاهی تعبیر به «فی مرضات الله» می نماید و گاهی تعبیر به (تریدون وجه الله) و تعبیرهای مختلف دیگر: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ (39)» (3)؛ ... و آنچه را به

ص: 76

1- 154. تفسیر نور / ج 1 / ص 230.

2- 155. تفسیر روح البیان / ج 1 / ص 204.

3- 156. روم / 39.

عنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را در آن می طلبید، بدانید کسانی که چنین می کنند دارای پاداشی مضاعف می باشند.

زکات و حفظ عزت مؤمنین

90- دین مبین اسلام، اهمیت فوق العاده ای برای حفظ عزت و عظمت مؤمنین قائل شده، به درجه ای که هیچ گونه ذلت و توهین را برای مسلمانان روا ندانسته و اجازه نمی دهد در برابر مسائل مادی و دنیوی، ارزش های معنوی و روحی خود را تنزل دهند و برای رفع نیاز مادی هر گونه سؤال و درخواست را مذمت می نماید. قرآن می فرماید: همان طوری که خداوند و پیامبر خدا عزیز هستند، مؤمنین هم عزیز می باشند؛ «... وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...» (1).

در روایت داریم شخصی خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) آمد و درخواست مسائل مادی نمود. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: برو کار کن حتی اگر مجبور شوی باری را روی سر خود بگذاری و به این طرف و آن طرف ببری پس به این وسیله ارتزاق کن و از مردم بی نیاز شو؛ «فاحمل علی رأسك و استغن عن الناس» (2).

ص: 77

1- 157. مناققون / 8.

2- 158. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 219.

از این رو در موضوع زکات بسیار سفارش شده که پرداخت کننده ی زکات باید به نحوی زکات بدهد که گیرنده هیچ نوع احساس ذلت در خود نکند.

الف- عن اسحق بن عمار قال: قال لي ابو عبدالله: «يا اسحق كيف تصنع بزكاة مالك اذا حضرت؟» قلت: يأتوني الى المنزل فاعطيهم فقال لي: «ما اراك يا اسحق الا قد ذللت المؤمنين و اياك اياك ان الله تعالى يقول من اذل لي ولياً فقد ارضدني بالمحاربة»⁽¹⁾؛ اسحاق بن عمار می گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: زکات خود را چگونه می پردازی؟ گفتم: مردم به منزل من می آیند در آن هنگام به آن ها زکات مال خود را می دهم. امام فرمود: این کار تو جز این که مؤمنین را ذلیل کند چیز دیگری نیست و از این کار بپرهیز؛ چون خداوند می فرماید: هر کس دوست مرا ذلیل کند، با من اعلام جنگ کرده است.

ب- قال: قلت لابي جعفر (عليه السلام) من اصحابنا يستحي ان يأخذ من الزكاة فاعطيه من الزكاة ولا اسمي له انّها من الزكاة. فقال: «اعطه ولا تسم له ولا تذلل المؤمن»⁽²⁾؛ ابي بصير می گوید: به امام باقر (علیه السلام) گفتم: یکی از اصحاب من خجالت

ص: 78

1-159. بحار الانوار / ج 96 / ص 77.

2-160. وسائل الشيعة / ج 6 / ص 219.

می کشد از این که زکات بگیرد و از آن استفاده کند، از این رو من وقتی آن مال و زکات را به او می دهم، نمی گویم که آن مربوط به زکات است. امام (علیه السلام) فرمود: همینکار را بکن و به او عطا کن و مبادا اسم ببری که این مال از سهم زکات است و مبادا مؤمن را به خاطر این عمل ذلیل کنی.

ج- عن یونس بن یعقوب قلت لابی عبدالله (علیه السلام): عیال المسلمین اعطیهم من الزکاة فاشتری لهم منها ثياباً و طعاماً و اری انّ ذلك خیر لهم قال: «لا بأس»⁽¹⁾؛ یونس بن یعقوب می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم من به عیال مسلمین از زکات می پردازم، اما بدین گونه که برای آن ها از زکات لباس و غذا می خرم و این کار را بهتر می دانم (کنایه از این که با این کار آبروی آن ها حفظ می شود). امام فرمود: این عمل تو هیچ اشکالی ندارد.

د- قال ابو عبدالله (علیه السلام): «لا یعطى احد اقلّ من خمسة دراهم من الزکاة»⁽²⁾؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: به کمتر از پنج درهم به فردی زکات داده نشود (یعنی احترام افراد باید حفظ شود و حدّ اقلّ مالی که به اشخاص داده می شود) در آن زمان، به میزان پنج درهم ارزش داشته باشد.

ص: 79

1-161. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 115.

2-162. بحار الانوار / ج 96 / ص 79.

91- قرآن کریم وقتی صفات مؤمنین و منافقین را بیان می کند، صفات و ویژگی های این دو گروه را به صورت متقابل ذکر می کند. به تعبیر دیگر عباداتی را ذکر می کند که مؤمنین به راستی و درستی انجام می دهند، اما منافقین انجام نمی دهند و به این وسیله می توان مؤمنین را از منافقین شناخت. مثلاً می فرماید: مؤمنین امر به معروف و نهی از منکر می کنند و نماز را اقامه می کنند و زکات را می پردازند و خدا و رسول را اطاعت می کنند.

اما در باره ی منافقین می فرماید: آن ها امر به منکر و نهی از معروف می کنند و در مورد انفاق و زکات، دست هایشان را می بندند (کنایه از این که نمی پردازند) و خدا را فراموش می کنند؛ «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (1) و «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» (2).

ص: 80

1- 163. توبه / 71.

2- 164. توبه / 67.

92- از نظر قرآن کریم تمام مؤمنان با یکدیگر برادر هستند؛ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (1). در جای دیگر می فرماید: هرگاه مخالفان شما توبه کنند و نماز به پا دارند و زکات بپردازند، آن ها هم در جامعه برادر دینی شما هستند؛ «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُقِصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (11)» (2)، بنا بر این شرط برادر شدن در کنار توبه و نماز، پرداخت زکات است و این امری بسیار بدیهی است که آنچه سبب ایجاد دوستی یا تعمیق، حفظ و توسعه ی آن می شود، خوش نیتی، خوش رفتاری، انصاف، کرم، ایشار، سخاوت و احسان به یکدیگر می باشد و در پرداخت زکات همه ی آثار یاد شده به روشنی نهفته است. (3)

پرداخت زکات از نشانه های نیکوکاران

93- قرآن کریم یکی از اوصاف برجسته ی نیکوکاران را علاوه بر اقامه ی نماز، پرداخت زکات و یقین به آخرت معرفی می کند؛ «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» (2)

«هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ» (3)

«الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ

ص: 81

1- 165. حجرات / 9.

2- 166. توبه / 11.

3- 167. زکات / حجة الاسلام قرآنی / ص 48.

بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (4)»(1)؛ این آیات کتاب حکیم است که مایه ی هدایت و رحمت برای نیکوکاران است همان ها که نماز را بر پا می دارند و زکات را پرداخت می کنند و به آخرت یقین دارند.

از دیدگاه قرآن کریم اگر کسی جزو نیکوکاران شد، اجر او ضایع نمی شود و مشمول لطف و محبت خداوند متعال واقع می شود و به رحمت الهی نزدیک می گردد. به آیات ذیل توجه کنید:

الف - «وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (115)». (2).

ب - «إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (69)». (3).

ج - «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (134)». (4).

د - «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ (56)». (5).

پرداخت زکات از نشانه های بندگان خدا

94- از نظر قرآن کریم بندگان واقعی خدا نشانه هایی دارند از جمله:

الف - شکر؛ «وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (172)». (6).

ب - سجده؛ «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ

ص: 82

1-168. لقمان / 4 - 2.

2-169. هود / 115.

3-170. عنكبوت / 69.

4-171. آل عمران / 134.

5-172. اعراف / 56.

6-173. بقره / 172.

ج - صبر؛ « فَأَعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ »، (2).

د - بر پا داشتن نماز.

ه - پرداختن زکات.

خداوند متعال در قرآن کریم بعد از آن که می فرماید ما انجام کارهای نیک از جمله بر پا داشتن نماز و پرداختن زکات را به ابراهیم، یعقوب و اسحاق وحی کردیم، می فرماید: این ها بندگان ما بودند؛ « وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (73) »، (3).

نکته ها

95- از جمله ی «کانوا لنا عابدین» استفاده می شود که از جمله نشانه های بندگان حقیقی خدا که استمرار در عبادت و بندگی دارند موضوع بر پا داشتن نماز و پرداختن زکات به محرومین است و بدون این دو فریضه ی الهی انسان به مقام و مرتبه ی بندگی و عبودیت نائل نخواهد شد. تعبیر به «کانوا» دلالت بر استمرار دارد. (4)

ص: 83

1-174. نحل / 114.

2-175. مریم / 65.

3-176. انبیاء / 73.

4-177. تفسیر تفسیر نمونه / ج 13 / ص 456؛ تفسیر نور / ج 7 / ص 477.

96- با این که فعل خیرات شامل پرداخت زکات هم می شود، اما در عین حال پرداخت زکات را جداگانه بیان کرد و این بدان جهت است که عطف خاص برعام مفید اهمیت است. (1)

پرداخت زکات یکی از اوصاف ابرار

قرآن کریم گاهی که ابرار و نیکان را معرفی می کند، علاوه بر اوصاف اعتقادی مانند ایمان به خدا و قیامت و فرشتگان و کتب آسمانی و پیامبران، یکی از اوصاف عملی آنان را پرداخت زکات می داند؛ « وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ... وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ... وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا ». (2) در جای دیگر می فرماید: هرگز به مقام ابرار و نیکان نمی رسید مگر این که آنچه را دوست دارید در راه خداوند انفاق کنید؛ « لَنْ تَتَّالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ». (3)

نکته ها

97- نکته ی جالب این که «برّ» در اصل به معنای توسعه است سپس در معنای نیکی ها و خوبی ها به کار رفته است. زیرا

ص: 84

1- 178. تفسیر نمونه / ج 13 / ص 456.

2- 179. بقره / 177.

3- 180. آل عمران / 92.

این کارها به وجود انسان محدود نمی شود و گسترش می یابد و به دیگران می رسد و آن ها نیز بهره مند می شوند. برّ به والدین نیز به معنای توسعه ی احسان به آن هاست. (1)

نکته ی دیگر این که قرآن کریم یکی از نشانه های ابرار را در سوره ی بقره آیه 189، تقوا و پرهیزکاری بیان می کند؛ «ولكن البرّ من اتقى» و در پایان آیه ی 177 سوره ی بقره، در اوصاف ابرار می فرماید: «اولئك هم المّتون» و اگر انسان پرهیزکار شد و به مقام ابرار رسید، در قیامت از نعمت های الهی بهره مند می شود. از این رو خداوند پاداش متقین و ابرار را نعمت های خویش بیان می کند؛ «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ (17)» (2) و «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (13)» (3).

98- بسیاری از افراد هستند که در پاره ای از موارد حاضرند به مستمندان کمک کنند، اما در ادای حقوق واجبهانند زکات سهل انگارند و به عکس گروهی غیر از ادای حقوق واجب به هیچ گونه کمک دیگری تن در نمی دهند. آیه ی شریفه با ذکر انفاق مستحب و ایثارگری از يك سو و ادای حقوق واجب از سوی دیگر این هر دو گروه را از شمول نیکوکاران واقعی

ص: 85

1-181. مفردات راغب؛ تفسیر نمونه / ج 1 / ص 597.

2-182. طور 17

3-183. انقطاع / 13.

خارج می سازد پس نیکوکار واقعی کسی است که در هر دو میدان انجام وظیفه کند.

99- جالب این که در مورد انفاق های مستحب کلمه ی «علی حبه» (با این که ثروت محبوب آن هاست) را ذکر می کند، ولی در مورد زکات واجب نه. زیرا ادای حقوق واجب مالی يك وظیفه ی الهی و اجتماعی است و اصولاً نیازمندان طبق منطق اسلام در اموال ثروتمندان به نسبت معینی شریکند. پرداختن مال شریک، نیازی به این تعبیر ندارد.

زکات؛ راه درمان مرض بخل

100- از دیدگاه قرآن کریم یکی از امراض روحی بخل است که در دوران جان بشر حضور دارد؛ «وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ» (1) و راه درمان این مرض اخلاقی آن است که انسان در راه خدا حقوق واجب و مستحب را بپردازد و زکات مال خود را بدهد، که در دو مورد قرآن کریم می فرماید: هر کس مرض بخل را در خود نگهدارد، بهفلاح و رستگاری نائل می شود؛ «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (9). (2)

در لغت به آن بخل شدید «شح» اطلاق می شود و نگه داری «شح» کنایه از انفاق کردن است که عامل رستگاری می گردد.

ص: 86

1- 184. نساء / 128.

2- 185. حشر / 9؛ تغابن / 16.

101- امام صادق (علیه السلام) از شب تا صبح طواف خانه ی خدا را به جا می آورد و پیوسته می فرمود: خداوندا مرا از بخل نفس خودم نگهداری فرما؛ «اللّٰهُمَّ قِنِي شَحَّ نَفْسِي».

یکی از یارانش عرض کرد: فدایت شوم! امشب نشنیدم غیر از این دعا، دعای دیگری بنمایی. فرمود: چه چیز مهم تر از مرض بخل و حرص در وجود انسان است در حالی که خداوند می فرماید: «و من یوق شح نفسه ...» (1).

در حدیث دیگری حضرت می فرماید: کسی که زکات اموال خود را پردازد، از مرض بخل حفظ شده است؛ «من ادی الزکاة ... فقد وقی من الشح» (2).

بخل ورزی نسبت به پرداخت زکات، نشانه ی نفاق

«وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللّٰهَ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصّٰلِحِیْنَ * فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ (76)» (3)؛ و برخی از آنان با خدا پیمان بسته بودند که اگر خداوند از فضل خویش به ما عطا کند حتماً صدقه (زکات) خواهیم داد و از نیکوکاران خواهیم بود، پس چون خداوند از فضل خویش به آنان بخشید بدان بخل ورزیدند

ص: 87

1- 186. تفسیر نور الثقلین / ج 5 / ص 346.

2- 187. جامع الاحادیث الشیعة / ج 9 / ص 48.

3- 188. توبه / 76 - 75.

و (به پیمان) پشت کرده و روی گردان شدند.

نکته ها

102- ثعلبة بن خاطب از پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) تقاضا کرد تا برای او دعا کند که خداوند او را ثروتمند نماید. حضرت فرمودند: مال اندکی که شکرش را ادا کنی بهتر از مال زیادی است که از عهده ی شکرش برنیایی. ثعلبه گفت: اگر خداوند عطا کند همه ی حقوق واجب آن را خواهم داد. به دعای آن حضرت ثروت او زیاد شد تا آنجا که دیگر نتوانست در نماز جمعه شرکت کند.

وقتی مأمور زکات نزد او رفت، گفت ما مسلمان شدیم تا جزیه ندهیم و زکات اموال خود را نداد، اینجا بود که آیات فوق در نكوهش از پیمان شکنی او نازل شد.

103- دل بستگی به دنیا انسان را بدفرجام می کند. کسی که از ادای زکات بخل ورزد کم کم از دین روی گردان می شود؛ «بخلوا ... و هم معرضون» (1).

104- تمام ملکات فاضله و رذیله با تکرار اعمالی در انسان پدید می آید. هیچ فردی از انسان این ملکات را از شکم مادر به همراه خود نمی آورد. مثلاً ملکه عدالت با تکرار اعمالی که بر اثر تقوا و پرهیزکاری باشد در انسان پدید می آید.

ص: 88

یکی از ملکات رذیله، صفت نفاق است و این وصف نکوهیده نفاق در اثر پیمان شکنی مکرر و بخل نمودن از پرداخت زکات واجب در انسان به صورت ملکه در می آید. جمله ی «فاعقبهم نفاقاً فی قلوبهم الی یوم یلقونه» در آیه ی بعد اشاره به همین مطلب دارد. (1)

منافقین و عیجوبی از اهل زکات

105- قرآن کریم اوصاف فراوانی را برای منافقین بیان می کند، یکی از آن صفات این است که از اهل زکات عیجوبی می کنند و کار آنها را به مسخره می گیرند. (اما مسلمانان آگاه و روشن ضمیر از عیجوبی و توبیخ آنها نمی هراسند و وظیفه اسلام خویش را انجام می دهند).
«الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ» (2)

قرآن در همین سوره توبه می فرماید: همین گروه منافقی که تو را نسبت به زکات و صدقات، طعنه می زنند اگر به آنها مقداری زکات بدهی از تو راضی می شوند و اگر ندهی ناراحت و متأثر می گردند. «وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ» (58) (3)

ص: 89

1- 190. اطيبي البيان/ج6/ص274؛ تفسير سوره ی توبه/آیت الله سبحانی / ص 190.

2- 191. توبه / 79.

3- 192. توبه / 58.

از نظر قرآن کریم انفاق گرچه معنای عام و وسیعی دارد و در بسیاری از موارد به معنای کمک مالی مستحب استعمال می گردد و هرگاه در عرف مردم این واژه استعمال شود، از آن معنای انفاق واجب اراده نمی شود، لکن از دیدگاه قرآن کریم گاهی این واژه در معنای زکات واجب به کار رفته است مانند آیه ی شریفه ی « وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُفْقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ *يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كُنْتُمْ لَا تُؤْمِنُونَ لَأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ (35)»⁽¹⁾؛ و آن ها که طلا و نقره را «گنجینه» ذخیره و پنهان می سازند و در راه خدا انفاق نمی کنند به مجازات دردناک بشارت بده. در آن روز که آن ها را در آتش جهنم گرم و سوزان کرده و با آن صورت ها و پهلوها و پشت هایشان را داغ می کنند (و به آن ها می گویند) که این همان چیز است که برای خود گنجینه ساختید، پس بچشید چیزی را که برای خود اندوختید.

ص: 90

106- این آیه ی شریفه قطعاً مربوط به زکات واجب است. به این دلیل که ترك انفاق مستحب موجب بشارت عذاب به انسان نمی شود چنان که در آیه ی دیگری نیز انفاق در معنای زکات واجب اطلاق شده است؛ زیرا به تارك زکات واجب، کافر و ظالم اطلاق می شود نه به کسی که انفاق مستحب را ترك کند؛ چنان که در آیه ی ذیل مشاهده می شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (254)». (1)

مرحوم طبرسی در تفسیر آیه ی شریفه ی «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ...» می فرماید: مقصود کسانی هستند که اموالی را جمع می کنند و زکات آن را نمی پردازند. (2)

107- شیعه و سنی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) روایت کرده اند که هر مالی که زکات آن را بپردازد، کنز نیست؛ «کل مال أديت زكاته فليس بكنز». (3)

بعضی از دانشمندان طبق نقل مرحوم طبرسی در مجمع البیان در باره ی «ذهب و فضة» تعبیر جالبی دارند و گفته اند جهت این که به طلا «ذهب» گفته می شود برای این است که به زودی از دست می رود و بقایی ندارد؛ ماده ی

ص: 91

1- 194. بقره / 254.

2- 195. تفسیر مجمع البیان / ج 5 / ص 40.

3- 196. تفسیر المنار / ج 10 / ص 404؛ تفسیر مجمع البیان / ج 5 / ص 40.

«ذهاب» در لغت به معنای رفتن است.

و این که به نقره «فَصَّة» گفته می شود به دلیل آن است که به زودی پراکنده و متفرّق می شود؛ «انفضاض» در لغت به معنای پراکندگی است. (1)

108- بعید نیست علت این که از میانه ی همه ی اعضا، پیشانی و پشت و پهلو را نام برده این باشد که این ها در برابر پول خضوع می کرده و آن را سجده می کردند و سجده با پیشانی صورت می گیرد و پول را پشت و پناه و مایه ی دلگرمی خود می دانستند و پناهنده شدن با پهلو انجام می گیرد و بر آن تکیه می کردند و اتکا با پشت صورت می گیرد. (2)

109- پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) فرمودند: هر کسی درهم و دینار یا طلا و نقره ای را ذخیره کند، بدون این که برای طلبکار کنار بگذارد و آن را در راه خدا انفاق نکند، این مال کنز است و در قیامت به وسیله ی آن به آن شخص داغ زده می شود. (3)

110- امام صادق (علیه السلام) می فرماید: از جمله گناهان کبیره، منع زکات است و بعد به آیه ی شریفه ی «یوم یحیی علیها فی نار جهنم» استناد فرمودند. (4)

ص: 92

1- 197. تفسیر مجمع البیان / ج 5 / ص 39.

2- 198. تفسیر المیزان / ج 9 / ص 386.

3- 199. در المنثور / ج 4 / ص 181.

4- 200. نور الثقلین / ج 2 / ص 214.

پشیمانی تارك زكات بعد از مرگ

111- كافرين در آستانه مرگ تقاضا مي كنند كه آنها را برگردانند تا در آنچه ترك گفته اند عمل صالح انجام دهند «حتي اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعليٰ اعمل صالحاً فيما تركت» برخي گفته اند منظور از (ماتركت) اموالي است كه از آنها به يادگار مي ماند حديثي كه از امام صادق (عليه السلام) نقل شده شاهد بر اين معناست. آنجا كه فرمود: «من منع قيراطاً من الزكوة فليس بمؤمن ولا مسلم و هو قوله تعالى (رب ارجعون...)» كسي كه قيراطي از زكات را ندهد نه مؤمن است و نه مسلمان و سخن خداوند (رب ارجعون...) همين را مي گويد. (1)

البته روشن است كه سخن امام (عليه السلام) به عنوان بيان مصداق است و الاّ آيه شريفه عموميت دارد و شامل ساير اعمال صالحه را كه ترك کرده مي شود.

كيفر تلخ ترك زكات در دنيا و آخرت

بي اعتنايي به اين فريضه الهی و ترك آن، آثار تلخ و سنگيني در دنيا و آخرت براي انسان دارد.

قرآن كريم براي ترك، زكات عقوبت و پيامد سختي را در آخرت قرار داده است «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا

ص: 93

آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (180) «(1)؛ آنها که بخل میورزند و آنچه را خدا از فضل خود به آنان داده انفاق نمیکنند، گمان نکنند برای آنها خیر است بلکه برای آنها شر است. به زودی در قیامت آنچه را دربارهٔ آنان بخل ورزیده اند، همانند طوقی به گردن آنها می افکنند و میراث آسمانها و زمین از آن خداست و خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.

112 - از جمله (سیطوقون ما بخلوا به يوم القيامة)، استفاده میشود اموالی که حقوق واجب آن پرداخت نشده و اجتماع از آن بهره ای نگرفته است و تنها در مسیر هوسهای فردی و گاهی مصارف جنون آمیز به کار گرفته شده و یا بی دلیل روی هم انباشته گردیده و هیچ کس از آن استفاده، نکرده همانند سایر اعمال زشت انسان در روز قیامت طبق قانون تجسم اعمال) تجسم می یابد و

به صورت وسیله عذاب دردناکی نمود می یابد. امام باقر علیه السلام میفرماید: «الذي يمنع الزكاة- يحول الله ماله يوم القيامة شجاعاً من نار له ريمتان فيطوقه إياه ثم يقال له: الزمه كما لزمك في الدنيا، وهو قول الله «سَيُطَوَّقُونَ مَا

ص: 94

بخلوا؛ (1) هر کس زکات مال خود را نپردازد، روز قیامت خدا آن مال را به صورت ماری بزرگ از آتش مبدل کرده و طوق گردن او می سازد سپس به او گفته می شود همانگونه که در دنیا به هیچ قیمت این اموال را از خود دور نمی کردی، اکنون آنها را بردار و از خویشتن دور ساز.

113 - از نظر قرآن کریم اعمال خوب و بد در زندگی مادی و طبیعی ما اثر دارد انجام فرایض الهی و به تعبیر دیگر تقوا و پرهیزکاری موجب برکت و فراوانی نعمت می شود و هرگاه مردم از امور معنوی دور باشند و از یاد خدا اعراض کنند در زندگی طبیعی دچار مشکلات و گرفتاری های فراوان می شوند.

قرآن کریم میفرماید «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...» (2)، اگر اهل آبادیها ایمان به خداوند آورده و به تقوا گرائیده بودند قطعاً (درهای برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می گشودیم. در نقطه مقابل قرآن می فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا».... (3) هر کس از یاد من اعراض

ص: 95

1-203. بحار الانوار / ج 96 / ص 8.

2-204. اعراف / 96.

3- طه / 124

کند، در زندگی سختی قرار خواهد گرفت.

صلی الله در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و امامان معصوم آثار و پیامدهای مختلفی برای ترک زکات در دنیا نیز آمده که به قسمتی از آن اشاره می شود.

الف - نیامدن باران

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید: «... و لا منعوا الزکاة إلا حبس عنهم القطر»⁽¹⁾؛ هیچ گروهی زکات را منع نکرد جز آن که خداوند باران رحمت را از آنها برداشته و ممنوع می دارد.

ب - قحطی و خشکسالی صلی الله پیامبر اکرم علیه الله میفرماید: «لا تزال امتی بخیر ما تحابوا و تهادوا و ادوا الامانة و اجتنبوا الحرام و قروا الضیف و اقاموا الصلاة و اتوا الزکاة فاذا لم يفعلوا ذلك ابتلوا بالقحط السنین»⁽²⁾؛ امت اسلام پیوسته در خیر و خوبی هستند مادامی که با یکدیگر محبت ورزند و به همدیگر هدیه بدهند و امانت را به صاحبش ادا نمایند و از حرام بپرهیزند و مهمانپذیر باشند و نماز به پای دارند و زکات بدهند و چون این تکالیف را انجام ندهند به قحطی و خشکسالی گرفتار می شوند.

ص: 96

1-206. بحار الانوار / ج 73 / ص 370.

2-207. بحار الانوار / ج 96 / ص 14.

ج- از بین رفتن چارپایان و حیوانات

امام رضا علیه السلام میفرماید اذا حبست الزكاة ماتت المواشي (1)، هرگاه زکات داده نشود، چارپایان می میرند.

د- از بین رفتن برکت از زمین

حضرت صادق علیه السلام میفرماید: «اذا منعت الزكاة منعت الارض برکاتها (2)؛ هنگامی که زکات داده نشود، زمین برکات خود را می گیرد.

ه- قبول نشدن سایر اعمال

حضرت علی علیه السلام میفرماید: «خطب رسول الله صلى الله عليه و اله خطبة الوداع قال في خطبته ايها الناس ادّوا زكاة اموالكم ألا فمن لم يترك فلا صلاة له ولا دين له ولا صوم له ولا حجّ له ولا جهاد له» (3)، رسول خدا در خطبه وداع فرمود: ای مردم زکات مال خود را بدهید هرکس زکات ندهد نماز و دین و روزه و حج و جهاد برای او نیست (از او پذیرفته نمی شود).

و- مصرف شدن اموال در طریق باطل

امام صادق علیه السلام میفرماید «من منع حراً لله عزّوجل انفق في باطل مثليه» (4)؛ هر کس حق خدا را نپردازد، در

ص: 97

1- 208. بحار الانوار / ج 73 / ص 373.

2- 209. فروع کافی / ج 3 / ص 505.

3- 210. روضة الواعظین نیشابوری / ج 2 / ص 356.

4- 211. وسائل الشیعة / ج 6 / ص 25.

طریق باطل اموال خویش را دو برابر مصرف می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه واله می فرماید: «من منع ماله اختیاراً صرف الله ماله الی الاشرار اضطراراً»⁽¹⁾؛ هر کس مال خود را از خوبان جامعه دریغ ورزد و از روی اختیار به آنها ندهد، مجبور میشود اموال خود را در راه اشرار و بدان جامعه مصرف کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «و اعلم انه من لم ینفق فی طاعة الله ابتلی بان ینفق فی معصية الله عزّ و جلّ و من لم یمش فی حاجة ولی الله ابتلی بان یمشی فی حاجة عدو الله عزّ و جلّ»⁽²⁾.

بدان! هر کس در مسیر طاعت الهی انفاق نکند، مبتلا به آن می شود که در مسیر معصیت خدا آن را انفاق کند، و هر کس در طریق برآوردن حاجت دوست خود گام بر ندارد گرفتار این معنا میشود که در راه برآوردن حاجت دشمن خدا، قدم بر دارد.

زکات فطره

114 - زکات بر دو قسم است زکات مال و زکات بدن زکات بدن را زکات فطره می نامند. قرآن کریم می فرماید: (وقد افلح من تزکی)؛ مسلماً رستگار شد کسی که خود را تزکیه

ص: 98

1-212. بحارالانوار / ج 96 / ص 131 - 130.

2-212. بحارالانوار / ج 96 / ص 131 - 130.

کرد.

در این که مقصود از تزکیه چیست تفاسیر مختلفی شده است

الف - پاک سازی روح از شرک.

ب - پاک سازی دل از رذایل اخلاقی و انجام اعمال صالح.

ج - زکات فطره در روز عید فطر است که نخست باید زکات را پرداخت و بعد نماز عید را به جا آورد چنان که در روایات متعددی از امام صادق علیه السلام این معنا نقل شده است (1).

از امام کاظم علیه السلام پرسیدند از زکات فطره که آیا مشمول آیه شریفه (اقیموا الصلوة و اتوا الزکوة) هست؟

حضرت پاسخ مثبت فرمودند؛

انه سئل عن صدقة الفطرة اهي مما قال الله تعالى اقيموا الصلوة واتوا الزکوة؟ فقال: «نعم» (2).

الحمد لله رب العالمين

پایان

ص: 99

1- 214. نور الثقلین / ج 5 / ص 556.

2- 215. بحار الانوار / ج 93 / ص 6.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

